

بهشتی و ...

بقیه از صفحه اول

است، چه نظری از آنها می-تواند وجود داشته باشد. نکته مهم آنکه روز پنجشنبه مردم تهران در اجتماع عظیم و تظاهرات عظیم با تکی خودشان دادند که کاملاً به ما هیت دشمنان آزادی و لگدمال کنندگان... شهادت انقلاب خویش آگاهی داد و چهره واقعی اینس مقلات و سران حزب و دولت دست نشانده آن کاملاً برای مردم مشخص میباید. علاوه چهره واقعی هوا رکشان این حزب فاسد و مستبد یعنی جماعت داران و عربده کشان روز پنج شنبه نیز کاملاً مشخص بود از روی علم و کتلت و شیاهای مخصوص بخودشان کاملاً معلوم بود که از همان تفاله های کودتای ۲۸ مرداد یعنی اوباش طرفداران کائنات و بقیائی و "فدائیان اسلام" هستند که میکوشند قضا یا دوره "تصفی" را دوباره تکرار کنند. همچنین توده های و سایر اجیرشدگان دولت استعماری روس، ساواکیهای مسلمان دوا شده و البتد گروهی هم تا آگاه، که از راه فریب و پیرنگ بسج شده و لسی پس از چندی به ما هیت قضیه پی برده چندان را خالی میکنند. پس از اجتماع و تظاهرات ۱۴ اسفند بلندگوهای تبلیغاتی و مطبوعات طرفدار حزب با ذکر بیانیها و انجاء سیر با ملاحظه سیاسی تلاش کردند تا قضا یا روز پنجشنبه و شنبه و دستگیری چهل و چند نفر از اوباش

چماق را محصول تحریک چند "گروهک سیاسی" و نتیجه "فتنه آشوب" کمونیستها و ما رکسیت ناما و مجاهدات قلمداد کنند. علاوه بر این عموماً سیاسی اطلاعیه های بر طبق اظهار نظر حزب حاکم در این جهت که اجتماع روز پنج شنبه و شنبه های مردم علیه حزب و سران معلوم الحال آن تماماً بد مقصود بلوت کشیدن قضیه جنگ و زمینه سازی مذاکرات برای سازش با تجار و زکاتران عراقی بوده و از نقش آمریکا برای ایجاد تفرقه و اختلاف در جبهه داخلی و تحمیل یک دولت "میان رو" و "لیبرال" منشاء میگرفته است. بایده این حضرات و مفسران سیاسی را دیوبت لویزیون و مطبوعات وابسته به حزب، که همین یاوه گوییها را بر تپا تکرار میکنند، پاسخ داد که: اولاً چند هزار نفر مردم تهران را با زجر دست چند "گروهک سیاسی" تصور کردن تنها نشان میدهد که شما چه درکی از مردم و جنبش آنها دارید و تصور میکنید که می-شود توده ها را با زجر و آلت دست قرار داد و بیجا با مصلحت گروهکها بیسیسی گونیست و ما رکسیت و مجاهد و غیره، که بگفته شما مدتها هزار نفر شاعران و خواسته های عنوان شده آنها را تأیید کرده اند تا بدین حد خرسند و از کردار و گفتار خویش خشنود باشند که مطالباتشان باطل است. لبیات توده های مردم که اگر روز تعطیل بود خیلی بیشتر از اینها هم میا مدند و همین فریادها را میزدند. هما هنگی و هم غرضی کامل دارد و مورد تأیید و تشویق آنهاست. ثالثاً قضیه بلوت کشیدن جنگ عادلانه علت با بختی های تجار و زکات را و با با نشان نمی-باشد، بلکه قضیه به بلوت کشیدن مطالبات آزادیخواهان مردم و پزده بوشی و توجیه مظالم و جنایات حزب حاکم و عواصل آن

بسیار نه جنگ در میان است. و گرنه چه کسی است که ندانست و یا نتواند بداند که دقیقا ایسی حزب حاکم و سردستانان معلوم الحال آن هستند که ما خیانت خود به امرل دموکراسی و لگد کوبیدن به شعار انقلاب مردم را ایجاد اختلاف و بگروید بیند. اختلافیون در جبهه ها و ردا من زدن به اختلاف و تفرقه در صفوف مردم تلاش برای احیاء بساط دیگنا توری و استبداد در حیو-جهتک کنونی، هم موضوع مقا-ومت یکپارچه مردم در برابر قدرتهای بزرگ و توطئه های خصمانه و ارتجاعی اشان بطور کلی و هم موضوع جنگ عادلانه و میهن پرستانه مردم را به بلوت میکشند و بی ارزش میگردانند. پس کسی است که تداوندگرا گستر مذاکراتی برای سازش در میان است دقیقاً همین حزب و سر-مداران کذائش آن، همین در رده است. با مصلحت مکتبی و بردا دو قائل که به آن "شوشترم" آرو وطن فروشانه با آمریکا سر تحویل گروگانهای جاسوس سازش کرد و حتی برداخت بدی های شاه معدوم را نیز به سرده گرفت، بیش از همه و پیش از همه قریبی مذاکره برای سازش و معامله از بالای سر ز منندگان و جنگجویان جبهه های ما سف-استبداد دبا وطن فروش هم کیش و هم آغوش است و هر چه مستدر، وطن فروش تر، تسلیم طلب تر و خیانت پیشتر است. رابعاً نقشه ایجاد تفرقه و اختلاف در میان مردم را چه کسانی جز همانهایی که مشغول ایجاد تفرقه و اختلاف در بین مردم هستند و هر روز به آنها گروهی از فرزندان مردم را به زندان میا میکنند و خنای ساواکیها و عمال رژیم سابق را با آنها میزنند، هر روز مشرقی تصنی بنام دفاع از روح نیست و سلامت بشووه شیخ فضل اللد معدوم و کاشانی مطرود و لکنی آتزی کوبیدن آزادی بیای نو قلم و تشکیلات و نفسی

ابتدائی ترین حقوق سیاسی و مدنی مردم میا میکنند، هر روز قتری از اقشار مردم را در کارخانه و اداره و دانشگاه و غیره بخاطر عدم تمکین بدستگاه تبلیغاتی عقاید قرون وسطی که از بیانیها اروپا تقلید شده است و بخاطر مخالفت با دزدیها، و زورگوییهای باندهای سلطه-گر، در معرض توهین و سرکوب قرار میدهند، و هر روز توطئه ای را در مجلس و دولت و ادالتهای کاخ دادگستری و مجامع سیاسی پشت پرده علیه دستاورددهنای انقلاب مردم سازمان میدهند. آری نقشه ایجاد این تفرقه و تشتت در جبهه داخلی را چه کسانی جز عوامیل حزب جمهوری اسلامی و سران فتنه گران از آمریکا و اقسام آمریکا مانند شوروی آنها گرفته اند؟! و اما خاما قضیه بر نامه آمریکا برای تحمیل یک دولت "میان رو" و "لیبرال" که گویا قرار است جای آقا یان حزبی را بگیرد، چهل در خسور شامل است، چه این نشان می-دهد که نویسندگان بیانیه های خود را نیز به سرده کرده اند. از این توطئه آمریکا و شرق و غرب میکوبند چه درکی از امیر-یا لیس و سلطه آسار تکرار استعمار غربی یا شرقی دارند. البته مردم بدنبال دولت های میانه و زوولیسرال نیستند و هیچ روی نمیخواهند میان نه روی کنند و مطالبات خویش را به سطح بستی اصلاحات سیاسی و اجتماعی بدون زدن ریشه فقر و سیاه روزی خویش و اساس رژیمهای خون آشام فاشیستی نظیر رژیم سائیک، که همانا سرمایه داری سوروکرا تیک و فئودال لیسم داخلی و استعمار را میریالیسم خارجی است، تنزل دهند و بیای روش تدریج و اصلاح کیپاری و مماشا تالیان دشمنان خویش را در پیش گیرند. لیکن عجیب است که بزعما این بیانیه نویسان بقیه در صفحه ۱۵

درباره جنگ و صلح و سازش :

درسهای گذشته و وظایف لحظه کنونی

تجا و رژیم بعثی عراق به ایران جنگی را به مصلحت و انقلاب ما تحمیل کرده است . این جنگ جنگی است که از جانب امپریالیسم آمریکا با پشتیبانی امپریالیسم جهانی در پاسخ سلیبی محکمی که انقلاب ایران وادامه آن در گوش ابرقدرتها و ارتجاع جهانی نواخته است برپا شده است . از اهداف رژیم عراق و در واقع هدف اصلی صدام در این تجا و زسرکسوب انقلاب ایران و به شکست کشاندن آن بوده است . قصد آنها بر این بود که با این تجا و زسرکسوب غریبی کشور دولت دست نشاندهای برپا دارند و آنگاه بکمک یاران خود در پی تحقیر قدرت سیاسی را در جا مع ما از طریق کودتایی به یک دولت دست نشانده امپریالیسم تبدیل کنند .

اما مقاومت مردم قهرمان ما سر بازان و پها سداران و نیروهای بسیج و داوطلبان و همچنین فعالیت بیرونی مدافع انقلاب و میهن در پشت جبهه صدام را در این تجا و زسرای نقشه های خود با زداشت ، مقاومت قهرمانان در خرمشهر ، در سوئگرد ، در ذوالفقار آبادان ، در زهرول و در غرب کشور گوشه ای از حماسه هایی بوده است که خلق ما در دفاع از انقلاب و میهن آفریده است . لازم به تذکر است که این دلوریها همگی علی رغم توطندها ، انحصار طلبیها ، خیانت ها و وندانم کاریها و سازشکاریها و کژ اندیشیهای محاد را مورصورت گرفته و بیان قابلیت توده های مردم ما است که بی کفایتی سردمداران را حیران میکنند و تلاش حاشینس را عقیم میگذارد .

در این جنگ صف دشمن را یساری رسانده اند یعنی دو جبهه نبرد خیانت کرده اند . این مسئله ایست که در خرمشهر و در اهواز و چه بسا در بسیاری جبهه های دیگر بر رزمندگان آشکار شده است . حزب جمهوری اسلامی ، حزب انحصار طلبان ، از طریق دادگاههای انقلاب و اعمال خود در بسیج و سپاه و ارتش نه تنها تفرقه افکنی کرده اند بلکه بسا طرد نیروهای انقلابی و ملی از جبهه مقاومت که یک نمونه آن در آبادان با اعلامیه آقسای اراکی (عراقی) مشخص شد . تفرقه افکنی را به مرز خیانت رسانده اند . در پشت جبهه نیز تلاش در راه برپای داشتن یک حاکمیت انحماری استبدادی توسط این حزب بیش از هر جریان دیگری به جبهه مقاومت لطمه زده و خلق را به ضدیت با این حزب خودکامه برانگیخته است . از سوی دیگر سردمداران بورژوازی ملی و خرده بورژوازی در قدرت که تا حدودی رهبری این جنگ و ملت را در هیئت آقای خمینی و بنی مودر داشته اند ، با سیاست تکیه بر جنگ کلاسیک منظم راه را بر تسوده ای شدن جنگ بسته اند و با لطبیع توان مقابله با تجا و زسرایک بدلائیل مخصوص بخود تضعیف کرده اند . تکلیف عوامل آمریک و شوروی و دیگر امپریالیستها در جا مع ما هم که در مقالات متعدد " حقیقت " مورد بحث قرار گرفته و آنچه آنها کرده اند را این خلاصه مجال بررسی ندارد . آنچه هست این است که انقلاب ایران در مقابل بسا تجا و زبعثیها کاری بسزرگ را پیش برده است و در سگیری از آن و انتقال جمع بندی صحیح از آنچه که شده و آنچه که نشده و علل همه

اینها وظیفه ایست که طبقه کارگران ایران و کمونیستها و نیروهای انقلابی با پدید آمدن تبلیغ آن در میان مردم همت گمارند تا بتوانند در راه پیروزی های آینده راهموار نمایند . اما آنچه که در لحظه کنونی اهمیت دارد ، اینست که بسا سفر هیئت نمایندگی کنفرانس اسلامی به ایران و عراق و خبرهایی که از گوشه و کنار شنیده میشود نقشه هایی برای پایان جنگ کشیده شده است که بر خورد روشن و واضحی را می طلبد . نکته قابل ذکر این است که بسا شکستی که صدام در اجرای نقشه های شوم خود تا کنون متحمل شده است برای وی و حکومت بعثی عراق اوضاع بحرانی و خطرناکی در آن کشور بوجود آورده است . این اوضاع بحرانی نه تنها نطفه های انقلابی را که حاکمیت خلق را در عراق مستقر کند ظاهرا میسازد بلکه همچنین به جدال در میان دارو ستدهای وابسته به ابرقدرتها و باندهای مختلف در میان حکام عراق دامن میزند . خطر انقلاب ایران در منطقه خاور میانه و بخصوص خلیج بخودی خود رژیم های مرتجع منطقه را لرزاند و است و اینست که شبح یک جریان شورش انگیز در عراق ظاهر میشود پیداست که رژیم های منطقه مانند عربستان سعودی و شیخ نشین ها را چه ولوله و هراسی می افتد و چه چاره اندیشی هایی را به آنها تحمیل میکند . متلا گفته میشود که عربستان سعودی آماده شده است تا پرداخت هرینه مالی قابل توجهی را بر عهده بگیرد تا بتواند رژیم بعث را در صورت مواجبه با بحران های پس از جنگ نجات بخشد . اینها مایلند

که جنگ را پایان دهند تا رژیم صدام و دیگر رژیم های ارتجاعی منطقه را از خطرات بزرگتر نجات دهند . اما از آنجا که به نظر میرسد عقب نشینی صدام یک عقب نشینی مفتضحانه و توأم با بی اترویی وی در میان مردم عراق خواهد بود ، آنها از یکسو میخواهند تا با شکردهای تبلیغاتی از انتقال درست نتیجه این جنگ به میان خلق عرب جلوگیری کنند و از سویی دیگر با اعطای مساعدات مالی به نجات رژیم صدام بکوشند .

پیداست که موضع انقلاب بیون ایران در این رابطه با پیدادامه نبرد بطور سازش ناپذیر با شدت نه تنها مناسق اشغالی از یوغ بیگانگان آزاد شود بلکه زمینه برای گسترش انقلاب بر علیه رژیم های ارتجاعی نیز فراهم آید . ما از مدتها پیش این مسئله را اعلام کرده ایم و رفقای ما با این برداشت در دفاع از انقلاب و میهن در جبهه ملی جنگ شرکت کرده و جان با زینها نموده اند . اما باید توجه داشت که آنچه به قوای ایرانی در جبهه های جنگ موضع برتر میشود نه امکانات نظامی نه فرماندهی خوب ، نه وحدت منجمد درونی و خلاصه هیچیک از اینها نیست . آنچه ما را در جبهه ها به جانیازی و مقاومت دلیرانه میخواند بر خلاف نظریه ای که در میان پها سداران و پاره ای از رزمندگان شایع است جدال میان اسلام و کفر هم نیست ! مسئله این است که ما در برابر تجا و زسرایک به میهنمان به یک نبرد عادلانه برخاسته ایم . نبرد عادلانه ای که مقصد آن اخراج متجاور از خاک ایران و اعمال حقیقی بقیه در صفحه ۱۴

درباره لایحه

بقیه از صفحه اول
 با فعالیت احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی بتصویب رسانده است، که با یدقانونی کردن و مشروع جلوه دادن استبداد در پرده دین نامش نهاد. عجله ای که آقایان حزبی و شرکاء در بتصویب رساندن این طرح و نیز مسکوت گذاردن طرحهای دیگر مربوط به این قضیه از خود نشان دادند، حاکی از تعجیل ایشان در پنهان کردن بساط استبداد دهرهای است که این عده از آزادیهای سیاسی مردم و گروههای سیاسی مترقی دارند. آخر وضعیت حزب حاکم و شرکای او سخت در مخاطره است، و اگر چنانچه قدری غیر رسمی کاری از پیش نمیبرد میباید قسری قانون را برتن چماق و استبداد کرد. طراحان این لایحه آنقدر از اصل آزادی بیگانه اند که حتی ابائی ندارند که لایحه پیشنها دیشان با اصل دستبخت خود و اسلافتان نیز منافات دارد. ما حاصل این لایحه که در ۲۵ ماده تنظیم شده است چنین میباشد.

گروهها بردونوع تشخیص داده میشود، دسته اول گروههایی که دارای پروانه رسمی نیستند، و دسته دوم دارای آن میباشدند. دسته اول از حقوق جمع، استعاده از حقوق گروهی و نظایر آن منع میگردد. یعنی اصلا بیخود تشکیل میشوند و نباید بایشان طبق ماده ۶ لایحه هر کسی میتواند نطق مرام و آرم آنها و

مشی سیاسی معین" گروهی تا سه سالین نماید، لیکن طبق ماده ۷ همین لایحه تا زمانیکه پروانه رسمی دریافت ندارد، از هیچگونه حقی برای فعالیت سرخوردار نیست. گروهی که اصلا نتوانند جمع کنند، بیانیهای منتشر نمائید و یا نظایر آنها تصویب برایشان نماند، مانند شیرینی میمانند که نه دم دار و نه سردار و نه تن، یعنی دیگر گروه و حزبی نیست که بتوان حقی برای او قایل شد! این از تکلیف دسته اول.

دسته دوم که دیگر وضعیت بدتر است. لاف اولی و اولی تکلیفشان روشن شده است، یعنی تشکیل نمیشوند و لذا در سری نیز برای بنیانگذارانش وجود نخواهد داشت. ولیکن دسته دوم دیگر سر و کارش با خود حزب و نمایندگان اوست.

دسته دوم که تحت عنوان کسب پروانه (ماده ۷) از "امتیازاتی" برخوردار می شوند، یعنی "امتیاز" حقی فعالیت، طبق ماده ۱۰ همین لایحه میباید پروانه کار خود را از یک کمیسیون دریافت دارند که از ۷ عضو رسمی و مشایرین منتخب ایشان که از میان احزاب موجود! انتخاب می گردند، تشکیل میشود. این اعضاء بترتیب نماینده دادستان کل کشور، یک نفر از کمیسیون امور داخلی مجلس، نماینده وزارت کشور، نماینده وزارت ارشاد ملی، نماینده نخست وزیر، یک نفر مجتهد معتمدی فقهای شورای نگهبان و یک نفر حقوقدان با معرفی حقوقدانان شورای نگهبان میباشدند. مشایرین نیز طبق نبره ۲ همین ماده از نمایندگان دعوت شده سازمانها و افراد ما حسب نظر انتخاب خواهند شد.

حقوق و وظایف این کمیسیون سبب طبق همین لایحه تعیین گردیده، بقرای اینکه این چند نفر که اکثر نماینده

حزب و شرکانش در دولت کنونی و در شرایط حاضر نمایندگان دولت بطور کلی هستند، تصمیم میگیرند که گروهی حق دریافت پروانه در واقع حق فعالیت سیاسی و غیره ندارند، و کدام گروه این حق را ندارد و در واقع چه کسی حق حرف زدن دارد و چه کسی ندارد. این کمیسیون میتواند طبق ماده ۱۶ بر تمام فعالیت های گروهها "رسیدگی و نظارت" داشته باشد و در صورت اینکه این چند نفر تصمیم بگیرند گروهی با ب میل خودشان نیست، میتواند نسبت پروانه آنها را منسوخ یعنی همان حق فعالیت را لغو نموده و حکمایشان لازم الاجرا میباشد. در صورتیکه گروه شکایتی نسبت به این تصمیمات کمیسیون داشته باشد، میتواند طبق اصل ماده ۲۰ به دادگاه صالحی که آنرا نیز شورای عالی قضایی برای اینکار تشکیل میدهند شکایت بسرد.

درواقع این کمیسیون هم "حقی" میدهد، هم درباره این "حقی" قضاوت میکند و هم این "حقی" را بدو خواهد باز میستاند و اگر هم تا کی هستید، به دادگاههای که از سلب همین کمیسیون تشکیل خواهد شد رجوع نمانند، تا مجددا همین داستان از نو شروع شود. الی آخر...

این کمیسیون هم دادرس است، هم باز پرس است، هم قاضی است، هم دادستان دولت حاکم است و هم مجری تصمیمات خود. آنگاه اسم این لایحه را هم میگذارند لایحه پیرا سون فلان لیت احزاب و گروهها و... می گویند در جمهوری اسلامی احزاب آزادند و آزادی بیان و عقیده و... محترم شمرده میشود. یعنی ۷ نفر و چندتا هم فکرشان می شوند را با بان آزادی که هر وقت دلشان خواست این کنند و هرگاه دلشان نخواست، آن این لایحه هم ضامن است ۲۶ و ۲۷ خود قانون اساسی

درباره آزادیهای سیاسی است و هم دست به تشکیل ارتکاب جدیدی میزند که در کنار سه مقننه، قضائیه و اجرائیه، جایی برای خود باز میکند و در کار رهبر قوه را نیز در دست خود میگیرد (دادن اجازه فعالیت سیاسی، نظارت بر آن و حکم بر تعطیل آن) که این نیز بسیار صراحتاً در اصول قانون اساسی بطور کامل و در عین حال مخالفت اصل ۲۵ قانون اساسی است. اصل را بر برائت میگذارد: یعنی تنها دادگاه صالح است میتواند حکم به تعطیل فعالیت یک گروه در صورت تخلف قانون اساسی بدهد. و نه اینکه یک کمیسیون دست پرورده حزبی حاکم، متهم را مجرم تشخیص دهد، و آنگاه دادگاه، که البته آنهم عروسک حزب خواهد بود، به شکایت "مجرم" بسردارد. همانطوریکه ملاحظه می کنید، کمیسیون کذائی فوق تمام اجزاء لازم برای تشکیل یک قوای ممیزی، یک ساواک نوین در پرده دین و یک دستگاه استبدادی جدید را در وجود می کند.

اینست معنای آزادی در جمهوری اسلامی از نظر اردوستان حزبی حاکم بر مجلس شورای اسلامی.

علت چیست که آقایان حزبی و شرکاء برای محور آراء بدست آمده توسط توده مردم که ۷۰ هزار شهید و صدهزار زخمی برای آن ایثار کردند اینقدر سراسیمه "قانون" گزار می کنند.

واقعیت اینست که حزب و شرکانش در قدرت از تیرس مردم افتادن از سریر قدرت بدست مردم، دست به چنین کوشش مذبحانهای زده اند. علت در اینجا است که زیر پای حزب خالی است، توده مردم از آن بیگانه بانی نمیکند و لذا خیر مردم را برای تشکیل یک دستگاه استبدادی چنین الزامات را "قانونی" رامی طلبند. کسی

پرولتاریا و مخالفت‌های لیبرالی

بخشی از مقاله 'تبییح سیاسی و دیدگاه طبقاتی' نوشته: و.ا. لنین (کلیات آثار، جلد ۵، ۱۹۰۲)

برای مطالعه اسراکاران "جی" و طرفداران صف‌های مستقل
جسی، که منظور عمالکیزی جدائی خود را از حریات با سیاسی
و اتحاد و حرکت‌های توده‌ای مردم با مستی شوریه‌ای من در آوردی
میدارند و در کمراهی می‌کنند.

ترجمه کامل این مقاله را بروی بیرون خواهیم داد.

همچنین بخاطر بیاوریم
آن گفته‌ها را ["از بیانیته"
دمونست"] که کمونیست‌ها
از هر جنبش انقلابی علیه نظام
موجود پشتیبانی میکنند. آن
گفته‌ها غالباً در معنای
بسیار محدودی تعبیر میشوند،
و بمعنای پشتیبانی از مخا-
لعت لیبرالی گرفته نمی‌شوند،
لیکن نباید فراموش کرد
دوره‌هایی هست که هر کشمکش
با حکومت که از منافع اجتماع-
ی مترقیانه‌ای برخاسته
باشد، هر قدر هم کوچک، ممکن
ست تحت شرایطی (که
پشتیبانی ما یکی [از آن شرایط
است) به آتش نشان
همکارانی بی درازخیزد. کافی
است که جنبش اجتماعی بزرگی
را که در روسیه از درون مبارزه
میان دانشجویان و حکومت بر-
مر مطالبات دانشگانی [آکا-
دمیک] فراروشید بیسواد
آورد، یا کشمکش را که در
فرانسه میان تمامی عناصر
نوتیخواه و نظامی‌ها

[میلیتاریست‌ها] بر سر
مخاکمه‌ای که حکم آن بر پایه
یک شهادت جعلی صادر شده بود
برخواست. [ما برای در پیوس-
مترجم] پس این وظیفه خطی
نا پذیر است که هر اعتباری
لیبرالی و دموکراتیک را
برای پرولتاریا توضیح دهیم،
آنرا پشتیبانی کنیم، چه
کشمکشی باشد میان زمستو و
وزارت کشور، میان اسراف و
رژیم پلیسی کلیسای ارتدکس،
میان آمارگیران و بوروکرا-
تها، میان دهقانان و ماسو-
ران "زمستو"، میان فرقه‌های
مذهبی و پلیس روستایی، و
غیره و غیره، آنهایی که
تحفیرکنان از روی اهمیت
نا چیز برخی از این کشمکش‌ها
یا از روی "بی سرانجامی"
تلاشهایی که برای دامن زدن
آنها به یک آتش نشان همگانی
صورت می‌گیرد، سر می‌گردانند
درک نمی‌کنند که تهییج
[آژیتاسیون] سیاسی
کافی است که در آن منافع

حیاتی آموزش سیاسی
پرولتاریا با منافع حیاتی
تکامل اجتماعی بطور کلی
تمامی مردم، یعنی همه عناصر
دموکراتیک آن، تطابق پیدا
می‌کند، این وظیفه مستقیم
ماست که خودمان را با هر مساله
لیبرالی وارد سازیم، روش
برخورد سوسیال - دموکراتیک
خویش را در فعال آن تعیین
گردانیم، به پرولتاریا یاری
کنیم که در حل آن شرکت فعال
کرده و حل آنرا بشیوه خود، ب
شیوه پرولتاریائی، تا میسر
کند. آنهایی که از وارد
ساختن خویش بدین طریق پرهیز
میکنند (هر چه که نیا تشا-
ر باشد) در واقع لیبرال‌ها را
در فرماندهی و انهادن، آموزش
کارگران را بدست آنها سپرده
و سرکردگی مبارزه سیاسی را
به عناصری تفویض میکنند که
در آخرین تحلیل رهبران
دموکراسی بورژوازی اند.

بفید از صفحه ۶

چماقداری

اگر نسبت نقش چماقداران آن دوره را ایماء میکردند و همگی بنوعی با دربار و ارتجاع سلطنتی متزلزل حاکم را بیطداشته و در ندادارک کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد ۲۲ به ایفای نقش پرداختند. اسلاف "فدائیان اسلام" کنونی در آن دوره نیز همین نقش چماقداری رحتی هفت تیرکشی (ترورگری و محمد مسعود و سوء فصد دکترا طمی) را ایفاء میکردند و آلت دست ارتجاع حاکم بودند.

بدینسان گذشته کشور ما نشان میدهد که دسته‌های چماقدار و سردسته‌های آنها همیشه از دست ارتجاع و دارودسته‌های مطلقه کراخیم در زمان بحرانها و غلبان‌های سیاسی و اجتماعی و جاکش کودتاها و ارتجاعی و صدمی بوده‌اند، از اینجا میتوان به نقش دسته‌های چماقدار کنونی و سازماندهندگان آنها، سه نقش حزب جمهوری اسلامی و همداستان این حزب که پشت این جریان چماقداری و عرب‌بده‌کنی دسته‌های با دسه‌اند، کاملاً بی‌سود و بی‌فایده و بی‌کارت و بی‌اواکست.

چگونه باید بدیده چماقداری میتوان مبارزه کرد؟

در مبارزه با چماقداری دو مسئله مطرح است: یکی مسئله چگونگی مقابله با حمله و هجوم دسته‌های چماقدار به اجتماعات و تشکلاتها و مراکز مختلف جمع‌شده‌ای، که یکی از حربه‌های ارتجاع و چماقداران استبداد در مبارزه با آزادی است؛ دیگری مساله

چگونگی ریشه‌کن ساختن پدیده چماقداری در جامعه جلوه‌ای از کشاکن استبداد با آزادی میباشد و بر بنیاد این کشاکن مربوط میشود.

طبعاً در مورد مسئله دوم روشن است که برای ریشه‌کن ساختن پدیده چماقداری در جامعه باید عوامل و موجبات آنرا از میان برداشت و این عوامل و موجبات در راجع و ارتجاع و دارودسته‌های وابسته به طبقات ارتجاعی، و در آزادی عمل و اعمال نفوذ قدرت‌های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی که به این دارودسته‌ها اتکاء می‌کنند، خلاصه میشود. بنابراین دیگر نباید بر اثر پیوستگی روزی آزادی بر استبداد و عوامل داخلی و خارجی آن، براساس سرنوشتی دارودسته‌های ارتجاعی طرفدار استبداد و سرکوب آنها در جامعه و انتقال قدرت به مردم، میتوان به چماقداری در جامعه سیر خاتمه داد و سرچشمه آنرا خشک کرد. وگرنه ما دامکه بر تجمیع در قدرتند، ما دامکه دارودسته‌های از ماس حزب جمهوری اسلامی حاکم باشد، چماقداری هم‌سنان عسای دست آنها بکار خواهند بود. تا آنکه تکلیف خود را با آزادی و انقلاب بیکر نکنند و ارکان حکومت مطلقه خویش را سازمان دهند.

اما در مورد مسئله اول بعضی در مورد مسئله خاص مقابله با دسته‌های چماقدار در وضع موجود دفع و سرکوب آنها توسط ربه اسرافعی می‌شود و سرچشمه آن، که در جردهم دارد، یک نظریه است که برای مقابله با این دسته‌ها باید به ارکان نهایی انطامی و فقهی موجود در جمهوری کدین و دادگاه دادگاه‌سری متوسل شویم و از آنها مدد گرفت. این نظریه در جامعه سرکشا ده اخیر احمد خمینی و در بیانات

بسیاری از مخالفان این جماعت کثیف‌ها که بنوعی سا دستگاره مربوطند کاملاً بچشم می‌خورد، ولی در میان سایر جریانهای سیاسی مخالف ما نند سا زمان مجاهدین خلق نیز رواج دارد (به علامیه‌ها - نشان نگاه کنید)، نا درستی و اسرافعی بودن این نظریه از آنجاست که ارکان نهایی انطامی و قضائی موجود خود بنوعی با این دسته‌های چماقدار مربوط بوده‌اند و این دسته‌ها بدون حمایت علنی و مخفی این ارکانها و تضمین مصونیت سیاسیشان توسط مقامات انطامی و قضائی و ما حیسان قدرت که پشت تمام چماقداری‌ها و عرب‌بده‌کنی‌ها هستند هیچگاه دست به چنین کارهایی نمیزند و سرچشمه عمل پیدا نمیکنند. چگونگی قوه قضائیه کشور که در درازن آن آیت الهیه‌بشتی، یعنی رئیس کل همه این جماعت کثیف‌ها و سرخدار دسته‌های چماقدار با مطروح علیه این دستجات و هنگامه - آفرینی‌ها نشان اقدام به اصطلاح فاشونی کند؟ چگونه کمیته‌ها و پاداران این کمیته‌ها، که زیر نفوذ و سلطه سازماندهندگان این دسته‌ها میباشد و به حزب کذائی وابسته‌اند، میتوانند تغییراتی در قانون علیه چماقدار تغییر کردند؟ و غیره. نظریه اسرافعی یاد شده، که به توهم توده در باره اصطلاح بنظر نی این ارکانها و "حسن نیت" مقامات یاد شده‌ها من میزند، مردم را از مبارزه اساسی، از ریشه‌یابی پدیده چماقداری در کشور، از مبارزه ریشه‌ای با عوامل استبداد و ارتجاع منحرف ساخته و آنها را به سر خوردگی و نومیدی سیاسی کشا شد.

اما نظریه دیگر اینکه برای مقابله با این دسته‌ها (نقده در صفحه ۸)

چماقداری

بقیه از صفحه ۷

با بیدار شدن تشابهی بوجود آورد و با مطلق مقابل به مثل کرد؛ بدینسان نکه گروه‌های سیاسی برای مقابل به هجوم دسته‌های چماقدار سه تشکیل دسته‌های مشابهی پرداخته و به زد و خورد با آنها، تلاقی جوشی و دفاع و حمله گروهی بطور جدا و گسسته از جنبش تسوده‌ای اقدام و ورزند. این نظریه نیز در میان گروه‌های چماقداری هوادارانی است (حتی سازمان مجاهدین نیز گاه از آن نظریه اول باین نظریه دوم گرایش پیدا میکند). ما در سنی و انحرافی بودن این نظریه هم را آنجا سب که دسته‌های چماقدار که از طرف مقامات و ارکانهای حاکمه تعیینی حمایت میشوند در هر حال دارای قدرت مقابل به پیشرو بوده و این شکل از درگیری با آنها از حمله و هجومشان نمی‌کاهد، بلکه افزایش میدهد. علاوه بر یک هدف این دسته‌ها و در واقع هدف سران پشت پرده آنها همانا کشتن گروه‌های سیاسی به مقابل به مثل، به سدان کارراری جدا از توده‌ها و حرکت بوده‌ها، و سپس سرکوب آنها با دعالت هوای ما مطلق فاسوی استقامی و کمیته و عمده بسیار به حفظ نظم و امنیت برای مردم میباشد. این نظریه تجربی مسئله خاص مقابل به چماقداری را از مسئله نام و اساسی مبارزه با طرفداران استبداد در سرفترت سیاسی و نظامی کم‌برخا متعنه

جدا میکند، بیرون این نظریه غالباً در هر دو زمینه، یعنی هم در مسئله خاص، مقابل به چماقداران و هم در مسئله اساسی مبارزه با استبداد و برسر قدرت، اشتباه میکنند و پیروزی در هر دو زمینه را نتیجه مبارزه منسردگروهیها و با مطلق پیشا هتکان جدا از جنبش تسوده‌ای می‌پندارند؛ حال آنکه هم‌انطور که توده‌های مردم (طبقات زیر رهبری گروه‌های بینا هتکان) قادر به زدن استبدادند، هدیه‌س توده‌ها نیز میتوانند مقابل به موفقا نه با چماقداران بپزند. **بدیده** ما تنها راه مقابل به حمله و هجوم دسته‌های چماقدار رو دغ و سرکوبشان همانا توسل به توده‌ها خصوصاً به کارگران است؛ همان‌طور که در کتاکش عمومی میان آرادای و استبداد دودر نظامی عرصه‌های مبارزه طبقاتی و ملی تنها توده‌های وسیع مردم و در پیشا پیش آنها طبقه کارگر کارساز میباشد. تجربه جنبش کارگری در سالهای زمانمداری ممدق و همچنین تجربه مبارزات رات توده‌ای زمان مشروطه نشان میدهد که اقدام توده‌ای، مقابل به توده‌ای، حمله و هجوم توده‌ای میتواند حمله و هجوم شرار و ویش چمان دست، مبارزه و هفت نیرکت را در هم بکوبد و در عین حال مقامات با مطلق قانونی پشت اسن فضا یا را در وضع بدی قرار دهد و پرده ظاهراً اصلاح آنها را سردر و پارو کند. هتکان می‌که کارگران در اسوده خود حرکت کنند و در جلوی دیدگان هاج و واج سران انحراب ارتجاعی و مقامات استقامی و فضا شی با مطلق حافظان نور، که پیشوری برای این "فانون" هم‌ارزش‌ها مثل نیستند، اسن درودسه‌های چنددهه‌مقره چماقدار را کوشیالی حساسی دهند و با مشت و لگد نفسی

کمکهای مالی دریافت شده

شهر	کمک دریافت شده ریال	کد
آمیل	۲۰۰۰	ک
"	۱۰۰۰	ش
"	۸۵۰۰	الف
"	۱۲۰۰	رفیق کارگر
سابل	۲۰۰۰	ح
بهمن	۵۰۰۰	م - الف
تهران	۱۱۰۰	م - ۵۷
"	۳۰۰۰	ک - ۲۰۰
"	۷۰۰	م - م کارگر
"	۲۰۰	یک هوادار
"	۱۲۷۰۰	ش - ج ۱۱
"	۴۰۰۰	الف ۱۲۲۶
"	۱۰۰۰	ش ۱۱۱۷
"	۲۰۰۰	ه
"	۱۰۰۰	م - ۱۰۰
شیراز	۲۰۰۰	صدیق - ح
"	۱۰۰۰	فاطمه - ح
"	۱۵۰۰	پری - ن
"	۱۲۰۰	فرشاد - ح
"	۱۵۰۰	عباس - ح
"	۱۰۰۰	محموده
"	۲۰۰۰	رت - ۱۰۰
شوشتر	۴۰۰۰	هواداران
کرمانشاه	۱۰۰۰	ن - ی ۱۱۱
سجد سلیمان	۱۲۰۰۰	م - ۴
"	۳۰۰۰	ب - ۴
"	۱۷۵۰۰	ک - ۴
"	۹۰۰۰	س - ۴
"	۲۰۰۰	ب - ۴
"	۱۱۱۰۰	ن - ی - ۴
"	۹۰۰	رفیق کارگر

رفیق کارگری از تهران برای پیشبرد امور سازمان حاصل کار روز حیات شبانه روزی خود را کدیس انداز کرده بود به مبلغ ۱۲۰۰۰۰ ریال بدسازمان هدیه کرده است. عده‌ای از رفقای هوادار را تحادید در جنبه‌های جنگ آبادان مبلغ ۱۴۰۰۰ ریال بدسازمان کمک کرده‌اند.

مجاهدین

بقیه از صفحه ۲۲

جمهوری ندارد ثابت میکنند. طبق ایران خودسری سینه کردستان نمیزنند و از نزدیک با واقعیات آشنا نمی‌شوند، تا دیگر مجبور نشاندند با از "پوموند" و "بی بی سی" و یا از خود "قاسملو" در باره حروب دمکرات برای خوانندگان نشان اطلاعات جمع آوری کنند!؟ البته اگر دلیل این حرکت انحرافی فقط "بی اطلاعاتی" باشد!

دها شان بکوبند آنگاه آنها حساب کار خودشان را خواهند کرد و همچنین عرصه اصلی مبارزه اساسی در جامعه را این کارهای

جمهوری ندارد ثابت میکنند. طبق ایران خودسری سینه کردستان نمیزنند و از نزدیک با واقعیات آشنا نمی‌شوند، تا دیگر مجبور نشاندند با از "پوموند" و "بی بی سی" و یا از خود "قاسملو" در باره حروب دمکرات برای خوانندگان نشان اطلاعات جمع آوری کنند!؟ البته اگر دلیل این حرکت انحرافی فقط "بی اطلاعاتی" باشد!

در حاشیه مصاحبه بلبل سخنگوی دولت دربارهٔ اعتصابات کارگری

باشند در عدد پرتقال، بقیه ۴۰ ریال بچینند، پس از برداشت سوویزه، بعطرت تورم قیصم دو عدد پرتقال ۶۰ ریال خواهد شد در صورتیکه مبلغ سوویزه دریافتی سوسیه، کارگران مبلغی نخواهد سود تا این ماباهالتفاوت را بپایان دهند!!

چطور است آقای بهزادنبوی همانطوریکه برای آمریکاسا چرتکه نیا نداشتند برای ما کارگران هم چرتکه نیا نداشتند چون با سطق ایشان بهترین راه برای مبارزه با تورم این خواهد بود که اطلاع کارگران، مردن دهند و بگذارند تا اگر سنگی بمیرند، مگر غیر از این است که ما برای مادیات انقلاب نکرده ایم!!

می بینید، جناب بهزادخان با محتکرین، کران فروشها، واسطه ها، دلالها، و سرمایه دارها و غیره که همه از دزدهای سرگردنه بدترند کاری ندارند دست آنها را بازمیگذارند. قافلله بدبخت را میکشد تا در سرگردنه دزدی نشود!!

سه شنبه ۱۹ اسفند ماه آقای بهزادنبوی سخنگوی دولت است مکتبی و مجری سازش سنگین با "شیطان بزرگ"، سعدا زاحسار شب در تلویزیون مصاحبه ای داشت که اینبار چهره واقعی و گرا بیانات طبقا تی وطنیت مدکا رگریش را بوضوح نشان داد.

حبرگار صدا و سیما ی سا نسورا زابشان پرسید: "گویسا در بعضی کارخانجات را اعتصابات را اعتراضی وجود دارد. دلیل و باعث این شنجات چیست؟"

آقای بهزادنبوی در مقام پاسخ برآمد. آسمان را بسایه ریسمان گره زده. طرح توطئه آمریکا را تصویر نمود. ارفعالیت ستون پنجم در کارخانه ها سخن بمیان آورد. سرنخ های فدا نفلای سی را نشان داد. وبی اهمیت بودن و قلیل بودن اعتصابات و اعترافات را ذکر کرد. او گفت فقط در شرکت واحد کوشش ملسی عده ای از کارگران دست به اعتصاب زدند که آنها هم در مقام بسیل حرکت فاطع و منطقی دولت قانع شده و به سرکارهایشان بازگشتند.

چون فکر کردیم جناب بهزادخان، بعطت شرکت در مجالس متعددی المللی برای زمینه چینی سازشهای شرم آور نیستوا - بسته اند اطلاعات موثقی از اوضاع جنس کارگری بدست آورند، لذا تصمیم گرفتیم شمدا ی از اطلاعات محدود خود را بسم کارگشان رسا نیم تا بداندند ا منه توطئه و فعالیت "فدا انقلاب و ستسون بجم" همه گیر ترا آنست که این جناب میپندارند.

اولا: در اکثر کارخانجات و مراکز تولیدی و خدماتی کشور با طر عدم برداخت سوویزه و دلایل دیگر که همدا ز سر مدقه دولت شجاست اعتصاب و اعتراض و درگیری وجود دارد. خوبست سری به شهر صنعتی البرز در قزوین بزنید و ببینید در آنجا چه میگذرد.

ثانیا: کارگران اعتصابی چه در کفش ملی و شرکت واحد و چه در هر جای دیگر و اقا چهره واقعی و منطقی دولت شما را دیده اند و میداند چگونه ضرب چماق و ژ-۳ و دستگیری و به زندان انداختن، صورت مکتبی قانعشان کرده آید. اطلاعات نشان را از کفش ملی عمیق سرودنیج شرکت بدست رسا بدیده مورد بحث چماق در حش کارگری سربانان روشن نمود.

ثالثا: سون بجم و توطئه گرانیکه شما را آبا صحبت می کنید، طبعه کارگراست که قصد دارد چماق بدستان و ستم گرا سیکه سخی گویا بش امثال شما هست سرگون کنند.

آقای بهزادنبوی در ادامه مصاحبه اش تجلیلی هم در ساره علت برداخت سوویزه داشت که اتفاقا اسی تحلیل و دلنسیل آوردن درس حرفها شست که امربا لیستها و سربا به داران برای شرمه مالیدن به سرکارگران در سطر ایشان برداخت سوویزه سه کارگران ساعت تورم و گرانای درجا معده شده فقط یولی اربود حسه دولت سحبت محنگریس سرازیر میشود و گرنه بحال کارگرفس سرق نمیکند که این پول را بگیرد نیا نگردد چون در هر صورت بعطت تورم قدرت حربدکا رگران اگر کم بشود تا سب سیمانند. سهادخان برای شیرمهم کردن شویداگان و بسیندگان مثالی هم زد.

خان داداش فرسودند: سفری اگر کارگران امروز قسا در

اخباری از کردستان

«سنندج - در روز ۲۲ بهمن سالگرد انقلاب ارگانهای حکومتی بجای پاسخ به خواسته های مردم و محل معضلات کردستان تا نکنها و تویبها و نیروهای انتظامی را در خیابانها سه رژه در آوردند و با همزاهای چند صد نفر از عوامل خوبی به نمایش قدرت برداختند این نمایش به تنها نتوانست مردم را جلب کند بلکه هیچ رغبت و وحشتی هم در دل مردم ایجا دنکر دو جوانها در کوجه ها و هر جا که ا مکانش بود با خواندن سرودهای انقلابی و ملی سالروز ۲۲ بهمن را گرامی داشتند.

«سنندج - در روز ۲۱ بهمن دانش آموزان دبیرستان خدمات سیاست گرامی داشت ۲۲ بهمن در مدرسه اقدام به خواندن سرودهای انقلابی و ملی نمودند. مسئولین آموزش و پرورش در مقاله با این حرکت انقلابی دانش آموزان دبیرستان را بصدت ۱۰ روز تعطیل نمودند و کلاسهای اول و دوم را منحل کردند.

«مریوان - ستونی از نیروهای دولتی در روستای "تیژ نیژ" مستقر است. در روز ۵۹/۱۲/۶ بدون هیچ دلیلی حسود ۱۸ کلوله نوب به روستای "کلاته" که در حوالی ستون مذکور قرار دارد شلیک میشود. زمانیکه از طرف یکی از پاسداران به ایس عمل فرمائده ستون اعتراض شد، فرمانده این ستون که افسری با مرحبمی میباشد و یکی از افرادی بوده است که در اکثر سرکوبهای مردم در زمان رژیم شاه دست داشته است، این مرد در جنگ سنندج هم یکی از اعا ملین توب ساران شهید بود است، به پاسداز معترض شیرترین توهین ها روا میدارد.

«سنندج - در ۳ بهمن ماه سالگرد شهادت کاک وریسا مدرس را اعضاء اتحادیه کمونیستها، علیرغم فشار و حقان موجود در شهر، یاران وی و تعدادی از مردم با سرن تاج گل سرزارش و خواندن سرودهای انقلابی یادوی را گرامی داشتند.

«سنندج - در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۴ سه نفر از افراد مسلح حزب دمکرات به سرپرستی "شیردیلنگانی" که از مسئولین حزب می - سقبه در صفحه ۱۱

کارگران بسلاو

مجروحین جنگ

خواستند که ترتیب رفتن آنها را فراهم کنند. بالاخره ثورا رضا است داد. نوروشوق غیرقابل وصفی امروز در بین کارگران زن ایران کارخانه بود. زنان دست‌دهسته برای رفتن دیدار زخمیان ششم نام می‌کردند. و مدوه ۶ تن از زنان شست نام کردند البته تعداد بیشتری خواستار آمدن بودند ولی ثورا فقط یک سرویس در اختیار کارگران گذاشت. بعد از خوردن غذا کارگران سوار سرویس شدند و به بیمارستان امام خمینی (هزارتخت‌خوابی سابق) رفتند. در طول راه کارگران مقدار پولی برای خریدن میوه و شیرینی برای آنها جمع آوری کردند که در حدود ۶۷۰ تومان پول جمع آوری شد که صرف خرید کمپوت برای بیماران گردید. در بیمارستان کارگران صمیمانه از بیماران دلجویی می‌کردند و از وضع آنها که در کدما میک از رگها شده اند و در کجا زخمی شده اند و غیره جویا می‌شدند. تعدادی از آنها از شدت ناراحتی گریه می‌کردند، که کارگران دیگر از آنها می‌خواستند که در پیش چشم زخمیان خود را نشان دهند. قبل از رفتن فرصت طلبانی چون چریکها سعی داشتند که به کارگران بگویند به بیمارستان مصطفی خمینی (میثاقیه سابق) برویم که از قرار معلوم این بیمارستان گلچین گردیده، و یک سال رنیز بعد از ما زخمیه‌ها زکاران به این بیمارستان برای عیادت رفته‌اند. هدف آنها نشان دادن اینکه دولت چه خدماتی را در حق این مجروحین انجام داده است بود. در صورتیکه در بسیاری از بیمارستانها زخمیان از رسیدگی نشدن به وضعشان بسیار ناراضی هستند.

فرار است که با ردیگر در آینده بسیار نزدیک کارگران زن این کارخانه به عیادت بیماران در بیمارستان دیگسری نیز می‌روند.

جنگی که در حال حاضر گریبانگیر خلق قهرمان ایران است، با وجود بیباکی و مردان تلفات جانی و خسارات بسیار در عوض معیار رومحکی برای غربال و نشان دادن با هیئت طبقاتی بسیاری از اقسام و طبقات جامعه ما گردیده است. این جنگ باعث شده بسیاری از فرصت طلبان و فدا انقلابیونی که خود را انقلابی جا زده بودند ما هیت واقعی آنها برای نوده‌های خلق آشکار گردد. و با لعکس ما هیئت طبقاتی انقلابیون نیز برای هدگان نشنسان داده شود.

طبقه کارگران ایران نیز به عنوان پیشرو و انقلابی ترین طبقه رسالت خود را به ثبوت رسانید. او با نشان زدن دهها شهید و جانفشانی بسیاری نشان داد که از خود گذشته ترین طبقه نیز می‌باشد.

از ابتدای شروع جنگ از تمام کارخانه‌های ایران کارگران چه بصورت داوطلبانه و چه بصورت منقضي ۶۰ دسته دسته راهی جبهه‌های جنگ شدند. و حتی از دادن هرگونه کمک نقدی با وجود در آمد کمشان دریغ نکردند. و اینک نیز با وجود سوارش کاربها و انحصار طلبی‌های دولتیان با زینت از زیبای شناسیده و به مبارزه اش همواره ادامه می‌دهد. در کارخانه کشتن جم که از مجتمع کشتن بسلاو نیز از ابتدای جنگ کارگران دسته دسته راهی جبهه‌های جنگی شده اند و تا بحال ده شهید نشان را انقلاب خونبار ایران کرده‌اند. که از تعداد این ده شهید ۳ تن آنها از کشتن جم می‌باشد.

و اینک نیز پس از گذشت ۴ ماه از شروع جنگ روحیه انقلابی سان حفظ گردیده است. از چند روز پیش تصمیم بر این شد که کارگران زن این کارخانه در طول ساعت کارخانه بسیاری عیادت زخمیان جنگی به دیدار آنها در بیمارستانها بروند. برای این کار آنها این پیشنهاد را به ثورا کردند و آنها

نامه به حقیقت از کارآموز

من یک کارآموز هوادار " حقیقت " هستم. با هدای راکه سرایان مبرستم مربوط به وضع کارآموزی نم‌سره ۲ سرسبز (واقع در خانه سردرود) می‌باشد. در این کارتون مسدود یکسال وادی است که تعدادی مربی بدون هیچ واسطه‌ای (یعنی به‌رور مزد دهند، به‌رسمی، به‌پیمانی و نه چیز دیگر) کاری کنند. سرسبز برای روشن شدن تکلیفان و رسمی شدنشان یک سال است که تلاش بی‌کندولی هر دفعه تا سعی روبرو می‌شوند.

اما در یکسال است که کمترین حقوق (۱۲۰۰۰ ریال) کار می‌کنند. حدین دفعه‌ها اسناداری سرپرست‌ها دولتی فقط قبول داده اند که اسناد می‌کنند ولی هر دفعه که مرسودی می‌بندند که برونده، آنها با یکسانی شده‌اند. مدیرعامل اینجاست بود سام عمداً لوها ب درمائی که فردی ساؤاکی بوده و یکبار دستگیر شده که توسط معامات شده با به، سرپرست را داشته‌اند. اسنان سما بعد از احضاری کا عدسپهای کلینیکس در آنرا بیان می‌کنند. این کارون صماتسا بشگاه مغلولین وسی سرپرستان سیر می‌شد. رئیس صدوی کارآموزی ایران فردی با نام مهندس جعفری

است که به دستور ایشان حق کارآموزی مدت چند ماه است که قطع شده است. کارآموزان برای گرفتن حق خود تعدادی تظاهرات استغاب کرده‌اند. مدیرعامل این کارتون چند روز پیش عوی شده شخصی بنام (مددی) به‌حای درمائی برگزیده شد. وی در اولی سحرهای خود گفت: آقای درمائی یک نفر انسان دوست بوده و در حق معلولین کمک کرده ولی من فردی مکتبی و مذهبی هستم و روند ما سیر مکتبی خواهد بود.

در این کارتون تعدادی مفتخوار هست (مانند مهندس حیا - بی) که کوچکترین کاری انجام نمی‌دهد و از صبح تا عصر می‌گذرد و چهار، پنج برابر مرییان حقوق می‌گیرد و اکنون با مدیرعامل جدید هم دست ندهد و مزدا خراج همه مرییان است.

موفق باشید دوست کارآموز شما از سرسبز
سرک بر آمریکا دشمن اصلی خلق ما!
سرک بر اسر قدرت‌های آمریکا و شوروی غذا رترین دشمنان بنسرسیست!

سرک برجین صدا انقلابی و تمام امیریا لیستهای دیگر!
زنده‌سا دانشمندان به رهبری طبقه کارگران!

متحد شوید و زمینهای را که صادره کرده اید در

مقابل توطئه فئودالها و حزب جمهوری

حفظ کنید

روستایان زحمتکش :

بدنیال توقف اجرای

بند "ج" که بنا بدستور بهشتی ،

منتظری ، مشکینی ، و با تائید آیت العظمی مورت گومت بتمام دادگاههای انقلاب اسلامی ابلاغ کرده اند که تمامی زمینهای شما را که دهقانان یا هیئت های هفت نفره از مالکان صادره کرده اند به مالکان بازگردانند .

بدنیال این جریان مالکان و فئودالهای ظالم که سال -

های سال به دهقانان زورگشته اند و میگویند دور هم جمع شده و

در پی توطئه چینی بر علیه دهقانان میباشند ، برای مشال در

منطقه سرحد چهاردانگ مالکان معروف : عبدالهی ها ، فتح -

اللهان جیانگیری (ساواکی معروف) ، عزت الله خان ، فتح الله

خان شهبازی ، حاجی امان دوست محمدلو ، میباشند و از دادگاه

انقلاب حکم گرفته اند که دهقانان باید زمین های این مالکان

را پس داده و از کشت بهاره خود مالکان اقدام کنند . همچنین

دادگاه انقلاب بدینوسیله از آن فوای بر برگزین فئودال

فارس وهما لکی شاه گفته است دو میلیون تومان پول بدهید تا

زمینهای شما را که دهقانان صادره کرده اند بدین بکتریم و بیسر

یاری را در سیدان که بینه از هکتار زمینها را متعلق به عمریر -

اللهان بود و باریه به سرتش پس داده بود . همدان خیرسا از

یکطرف و اطرف دیگر بعد از توقف شدن بند "ج" و اجرای توطئه

های هیئت بر علیه دهقانان از طریق دولت و با همدستی مالکین ،

دهقانان صدای اعتراض خود را بلند کرده و بر علیه این دسیسه ها

به معارفت بلند شده اند و با اجام نظرات مدور قطعنا مع و غیره

دست به مبارزه بر علیه این توطئه ها زده اند . مثلاً شوراهای

روستا های بلوک کمین برای مبارزه با نقشه مالکین که پس

گرفته زمینهای دهقانان بود در فوای دادگروه جمع شدند و -

قرار داد که حواسدهای خود را بطعنا بهای سر بسوزان قطعنامه

را در ادیونلو سر بسوزان بدهند تا بحر سو دوهده مردم را آن با اطلاع

سود . مهمترین حواسدهای آنان عدم خالت زاندا رمری در کار

رهنس ، سرکناری بختدار مرودست ، اجرای کامل بند "ج" و غیره

بود . اما رادیونلو بیرون که در انحصار حزب جمهوری است بحدی

بخش این حواسدهای سرخ ، کشنده بود که سورا های بلوک کمین

حمایت خود را از جمهوری اسلامی اعلام کردند و ولایت قطعنامه را

ظهور کلی ما سرور کردند . این جریان با ان بدهد که رادیونلو -

سر بسوزان که یک سازمان دولتی است ما بسوزان را ششسای

دولتی ، اسناداری ، فرمانداری ، زاندا رمری ، مجلس وهدهده

از کابینه دولتی اردهقانان حمایت میکنند بلکه خاسی

مالکین هستند . دهقانان با تدخای بکبه سران سازمان های

دولتی سر سر روی بیروی خود و اسخا دوهده سنگی خود حمایت کنند .

روستایان عمریر :

این توطئه ها با تصرف سرری حزب جمهوری اسلامی و به

طرفداری ار مالکین است که صورت میگردد . در این سازمان سر

لسرالیبا یعنی سبی مدری ها هم با خرسنالی مفعول مساسای

ظرف سرری این توطئه ها هستند و بکا میکنند که حکومت سر با مسه

خودشان را حزب جمهوری به اجرا میکذارند . با بیدر مقابل تمام این سرنا مهها مقاومت کرد و اجازه نداد که مالکین مفتخور را بر دهقانان زحمتکش حاکم کنند .

روستایان زحمتکش :

آمریکا طرفدار فئودالها و مالکین میباشند و مبارزه شما بر

علیه فئودالها و مالکین در حقیقت یک مبارزه ضد آمریکا است

است و هر کسی که بخواد هدجلو این مبارزه را بکیرد به آمریکا کمک

میکند و خود ما دولت که در مقابل خواسته ها و مبارزات شما

ایستاده است و در حال سازش با آمریکا میباشند . چنانچه این

سازش را بر سر مسئله گروکا شما دیدیم و همه مردم ایران دیدند

که چگونه حیثیت و شرافت این مردم را فروختند و گروکا شما را

آزاد کردند . حالا هم با پس گرفتن زمینهای دهقانان حمایت

ار مالکین و فئودالها ، خیانتتان به انقلاب و زحمتکش ایران

را کامل میکنند .

روستایان زحمتکش :

شما با بدبهره و سبدهای که شده صدای اعتراض خود را بگوش

مردم سرانیدنا دردم ز خواسته ها و مبارزات شما و توطئه های که

بر علیه شما انجام میشود با اطلاع شوند .

با بدبهره و سرکوشی های زاندا رمری که همیشه با مل

دست مالکین و فئودالها بوده و هست مبارزه کرد . زمین حسیق

شماست و حق گرفتنی است نه دادنی . برای گرفتن حق خود متعهد

شوید .

ما بود با توطئه های مالکین و حزب جمهوری اسلامی

بر علیه دهقانان زحمتکش

زمین ار آن کسی است که روی آن کار میکنند

(" ایران انقلابی دهقانان فارس " - اسفند ۵۹)

عمده جناداران حزبی

سحق و اصولی از جانب هواداران نیروها ، با افتخاری مردم از

آنها دفاع بره حیزند ، و ما له از پیدا کوچک دعوا بسن چماقدار

و سازنده سبب بزرگ بر ما رهنی مردم و جناداران سبخل

میگردند ، که در اغلب موارد جناداران سبخل را خالی میکنند .

اس امر با طرفداری و انزجار بر حق مردم از آزادی کشی است که

بند اسنادی و عوامل رسمی و غیر رسمی حزب جمهوری اعمال

میکردند .

اخباری از کردستان

با سبخل خاطر مهادت از قبیل گلوله آری جی ، بین خداتنگ ،

شنگ کلاشینکف از خاک عراق وارد کردستان ایران کردند و به

روستای " بسکای " آمدند و مردمی که در این روستا و روستاهای

منطقه " زواره " بودند ضمنی از سنگهای کلاشینکف را فروخته و

سبخل را به نفرهای حزب حمل نمودند .

درباره جنگ

بقیه از صفحه ۳

حاکمیت مردم ایران، سرزمین-شان است. این نیرویی عظیم است که علی‌رغم همه مشکلات مقاومت و تلاش در جهت پیروزی را مسیر کرده است. این همان دلیلی است که در صفوف نیروهای تنجا و تفرقه و دودلی ایجاد می‌کند، حال آنکه صفوف ما راسته مندلی می‌خوانند. بی‌دانش و مدتها پیش هم گفته ایم که ما - بر این هرنوع نجا و زاح خودد مری ایران جنگ را از جالست کسوی منحرف می‌کنند و بر عکس به دریم صدا مضرمت سید هدکه تحت لوائی طیب و ممالله با نجا و ز، وحدت دروسی را در قوای خود برقرار کنند و رژیم خود را بحالت کلی حساب ارجحیت اخلاسی خلق عراق در راه سرنگون ساختن رژیم صدام دست بر رو همسای ابراسی و میلای سازگارادن در کرلا مصوا حدانند. ما باید به اصل ممالله نجا و رتسار نتیجه کنیم و صد اسم که کار ستون ما حسن رژیم عراق است. افلاسون عراقی بودند سردم برادرها در عراق است که ما در ارتقا ما بی و سلیسای و سر- پورده ستمانی با سرار کسرد.

سما را این موضع مسا اخراج کامل قوای عراق از خاک ایران است و اعمال حاکمیت مردم ایران بر سر زمین

خود. اضافه بر این رژیم عراقی با بدعنوان متجاوز در اسی جنگ محکوم شود و غرامات حنا - یات و خرابی‌هایی را که در نتیجه این جنگ بر جامعه ما تحمیل کرده است بپردازد.

تحقیق این موضع ننجا از طریق سردما تنجا وزین بمشوی ایجا دیک جبهه عظیم تبلیغاتی - سازاتی تا بل ملت ایران و ملت عراق و تنامی نیروهای که در منطقه می‌توان با آنها متحدند، میسر می‌شود. بنا - بر این هرنوع ما زعی که بر سر این خواستهای خلق صورت‌گیرد محکوم بوده و هرنوع مذاکره ای که اخراج متجاوزین را از خاک ایران سموا ن پیش شرط خود نداشته باشد مذاکره ای سازش - کار راه است.

امروزه همچنانکه قبلا هم نوشته ایم بهای از سران حزب جمهوری اسلامی استند نسبه در پشت تریبون ها تنکه در خلوت - های سیاست با زیشان اسلام میکنند که رژیم عراق هر روز منجم ترمیم و خلاصه راه برای ادامه جنگ سدودا است. آنها زمسه مذاکره را می‌چنند و راه سازش را بیرون دلی درطا - هرا جنگ تا به آخر با کفر و غیره دم می‌رسد و ان حکایت از بفته های طیبی است که ایشان دارند. ارسوی دیگر، اینها تا بیخ کرده اند که سنی صدروهم - راهان وی صدآن دارند که سه سارس کنند و حور پیدا را سباد دهند. البته ما به اینکه سیاست آتای سنی صدروهم چنین آسای حسنی در صدا با این جنگ (نکه برارنی بجای نکه سر اسراسری حکت بوده ای) آن را بدن سب خطرناک سو دادو حی در عورت سروروی هم سروروی را سمدو محاطره آسرو با اسوار مگردا سمدو سمدو و دآن بارها ساره کرده بیم اما با صدما بوجه به سیاست حزب جمهوری اسلامی در رابطه با این تبلیغات به رر سدگان جبهه - های سردوما کماتنی که دلنا

سرای پیروزی بر تنجا وزگسران می‌تپده شدار دهیم: در ترا بیکی کسوی طیبین ما جدال دیگری سوازات جدا - لی که در حبه های سرد درگیر شده است سراه افتاده است.

این جدال که در عرصه های مختلف جامعه میان حزب جمهوری اسلامی و نوده های مردمی که از استبداد این حرب سدنسنگ آمده اند بر راه افتاده، با لطم هم بر آن سازده دیگر تا شرمی - گذارد و هم از آن سنا نیر سیدیدر.

سوان حزب جمهوری اسلامی و عمال آنها در این جنگ جز تفرقه که افکنی در جبهه و پشت جبهه و جز استفاده از موقعیت جنگی برای تحمیل حکومت استبدادی خود و ایجاد پیدن مردم کساری نکرده اند. آنها اکنون از بیک طرف در پشت پرده ها چنانکسه گفته ندهنده های سازش را ساز کرده اند و ارسوی دیگر در شرایط جدال میان آزادی و استبداد می‌کوشند تا قیافه سازش سنا - پذیر خود بگیرند تا نتوانند سردم آزما نچووزر مندگان حان - با زر آلت دست خود کنند.

مردم هشیار باشید! فریب بزرگی را تدارک دیده اند!

حقیقت این است که سران حزب جمهوری مسئله اصلی خود را بر با کردن حاکمینی انحصاری وجود کما مفرار داده اند، آنها سبوا همدیاست، اقتصاد، قوای نظامی، دانشگاه، مدرسه، شورای کارخانه و صحنه روسا را به حاکمیت انحصاری خود در آورید و در این راه از هیچ کاری اماندارند. ما فلا به همس دلایل گفته ایم که حزب جمهوری سنا طرا این تلاش ما هیتا سروشی سندنکه حواهان زد و سدو سکیه سراسر قدرتیاست می - با شد و اینک ما بیدراین مسئله تا کسوی دو چندان دانسته باشیم. قبا مردم ایران سرعلیه اسندا دحزبی که هر روز و نواهدی

از فراهم شدن مصالح در میان پیشروترین بخشهای خلق بچشم می‌خورد، حزب جمهوری اسلامی را وادار می‌آورد تا سسرای نجات خود و بیکسره کردن کسار، سنا رخنگ را بپراهن عثمان ساندتا فعلا نتواند سوسبله آن رفیب را از میدان بدر نماید. شیوه کار آنها تکرار برنما سه - ایست که در مورد قصبه گروگان - های آمریکایی بپاده و اجراء نمودند. آنها به مسئله ما - رزه صدا مبریا لیستی که بسا اشغال جاسوخانه در گرفتارست بچشم ابزاری برای انحصاری کردن قدرت مینگریستند، آنها از آن سموا ن وسیله ای برای کنا رزیدن رقبا اسفاده کردند و مردم وجه سنا سبای از دانش - جوین صدا مبریا لیست صلما ن را آلت دست خود ساختند. آنگاه هنگامی که دیگری دیدند کسه ادامه کار به ضرر آنها و توا فق - شان با قدرتهای بزرگ سیرر خواهد کرد به سازش رفتند و بسا امفای فرار دادنیگیمی بسا آمریکا عوامل " شیطان بزرگ" را آزاد کردند. این سار مردم و بخصوص رزمندگان با سدار و ارتشی ودا و طلب و روجا نیسون و غیره روجا نیون و خلاصه همه باید هشیار باشند. آنها اوضاع را خطرناک می‌بینند چرا که بعد از ۱۴ اسفند احساس میکنند که مردمی که مدتهاست از نجا ر خود را از جفا قدارای اعلام کرده اند، سرعلیه حزب چماق بدستان، وارد عرصه پیکار رودررو می - شوند. آنها احساس کرده اند که مردم سبوا هند قفل از آنکه دیر ستودا ره چماق دارای راه نبرو خود بینما بیند. آنها به اسن دلیل مسئله سازش در جنگ را علم میکنند به این خاطر که بسا سازش مخالفند. آنها با مردم مخالفند و با سنی صدرو سگران که میتوانند فعلا مزاحم آنها شوند مخالفند، سنا سراسن نغده مخالفتی که اینان بسا سازش سردهند ما آر مسلمان سقیه در صفحه ۱۵

بیاد شهیدی گمنام

از شهدای راه استقلال و آزادی ایران

درگیری‌ها پیش با متجا وزین بعشی شریف میگرد و میگفت که برای دیده‌بانی سیروهای عراقی به بالای یکی از نخلهای اطراف چینه‌رفته بودم که ناگهان من و دیده‌بان عراقی با دوربین یک دیگر را دیدیم و هر دو از نخل پائین آمدیم اما من زودتر بر پستیم یا نین و دیده‌بان عراقی را بدرگیا ربستم. همه نیروهای انقلابی و رزمندگان که از اوایل درگیری در جنگ مقاومت در خونین شهر حضور فعال داشتند چهره‌ها این مبارزان بزرگوار را فراموش نخواهند کرد. علی بعد از شکست فضاحت با رزموران بعشی که مدتها نفرات آنها به هلاکت رسیده و تعداد زیادی خودروا نسواغ بسیاری از مهمات بجای نهادند مدتی بعد به جبهه دیگری بیسین جا ده آبادان ما هشره سردبیا متجا وزین بعشی پرداخت و بسا شجاعت و بی‌باکی شگفت انگیزی در حالیکه خود را ننده جیبی که تفنگ ۱۵۰ میلیمتری روی آن سوار بود را بعهده داشت در حال حرکت بسوی قلب دشمن حمله میبرد و یک دست و یک پای دیگرش تعنگ را تلیک مینمود و وصف دشمنان متجا وز را زمین نمود. علی در یکی از همین عملیات قهرمانانه خود بوسیله ترکش خمپاره دشمن که در چشمش میخورد و شیبیل وی منفجر میشود در راه دفاع از میهن و انقلاب شهید میشود و شهیدی دیگر به صفت گمنام شهیدان تاریخ انقلاب میهنمان میباشند. یادش را گرامی میداریم و را بپراستخارش را که راه همه جان بزرگان رزمندگان رزمندگان و آزادی و سربلندی میهن است را ادا می‌خواهیم داد.

عده‌ای از هواداران " اتحادیه کمونیستهای ایران " شرکت کنند در جنگ جنوب.

در نخستین روزها و ساعتها ی هجوم با جوانان مردانه اشرا ر مزدور بعشی عراق به کوی دوالفقاری ، عده‌ای از مبارزان پر شور و شجاع آبادانی که نموانند و از دست دادن خونن شهرسیر چهره آنان مجسم بود ، برخلاف خود با خستگان و مدعیان دروغسین مساره فدا میربا لیبستی که با شنیدن خبر محاصره شهر خودشان که در میرفتند هیچ مردنی را هم که در شهر مانده بودند تشویق به ترک شهر مینمودند. حتی در قسمتی از شهر نقشه راههای فشار را نیز رسم کردند و از برخلاف آبادی حزب تفرقه افکن و وحدت شکن حا کم که عوام آنها بیشتر در ارتگاسهای مسلح و مساجد و نهادهای قدرت مانده بودند که فتوحات بدست آمده را بنا خود ثبت کنند و به بگیری و بیندنیروهای انقلابی و مترفی و به نقش دشمن شادکسن خویش ادا مدهند. بودند جوانان از جان گذشته و انقلابی که تصمیم داشتند تا آخرین قطره خون خود را شپروخا نه و کاشانه خود دفاع کنند. این جان بدگفان با وقوع خبر حمله متجا وز بسین عراقی خود را به محله شهید دریا نلی رسانده و با متجا وز بسین نبرد حماسه آمیزینی دست زدند. در میان اولین گروه رزمندگان دوالفقاری رزمندگان شهید علی که همزمان و دوستانش او را "علی سیاه" صدا میکردند با آن قد کوتاه و چهره سیاه و سوخته و چالاکسی بی نظیرش بیش از دیگران طلب توجه مردم با قیامانده در محل و رزمندگان انقلابی را می نمود و چون راننده یک جیب ارتشی بود بطور خستگی نا پذیر نترات کمکی و آذوقه و مهمات را در میسان آتش خمپاره و خمسه حمله دشمن به خط اول جبهه میرساند. روز اول یا دوم درگیری در کوی دوالفقاری بود که ما در جبهه با علی آشنا شدیم، شهید علی با روی خندان داشت سرایمان از یک کسی از

نامه يك کارگريه نشريه حقيقت

تا این تاریخ ۵۹/۱۲/۱۶ در اعتماد بودیم و اگر بخوانند حق ما را ندهند برای گرفتن حق خود از حلقوم را رودسته حسب جمهوری تفرقه اندازید اعتماد خود را ما به خواهم داد. بدامید پیروزی همه کارگران و زحمتکشان

۵۹/۱۲/۱۶

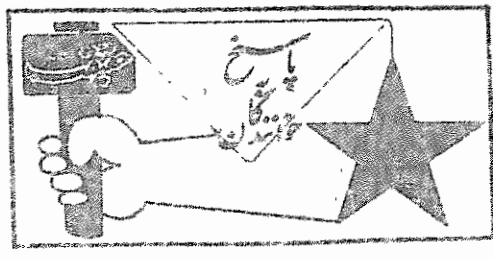
نشریه منترم حقیقت من کارگر کفش ملی هستم میخواهم در مورد اعتماد کارگران این کارخانه برای شما گزارشی بشویم و امیدوارم آن را چاپ کنید تا کارگران دیگر هم بدانند که چگونه در رودسته خائن حزب جمهوری بخاطر دادن عزشی از حق سوق حقه مالشکر کشی میکنند و کارگران را به خاک و خون میکشند.

اعتماد ما از ۵۹/۱۲/۱۱ شروع شده و هنوز هم ادا مده دارد. ما کارگران میخواهیم اقلا سود ویژه، پاداش سالانه و عیسی خود را بگیریم ولی هیئت مدیره مزدور و رئیس کمیته کفش ملی سام رضوی که یکی از نوکران حزب جمهوری اسلامی است سراسر ما را با سار و کمینه چی ما را شهید میکنند. و به ما حمله می کنند و وحشی در یکی از این حطاب ما در کارگری سهاش کشته میشود. ما حسی اسماعلی شوری خریدار میدانیم. فقط مسی دو سر را میشناسم، اکبر قیاسی - اکرم زادخانی. این دو نفر توسط حزب جمهوری جما و دستگیر شده اند که تا بحال آزاد نشده اند. و تا پیدا بشه هم سارش نکنند خواست ما، دخالت نکنند با سار و کمینه چی در مورد اخلی کارخانه. گرفتن سود ویژه چهار ماهه عیدی و پاداش است.

درباره لایحه

نقیه از صفحه ۴

از آزادی میترسد که میدانند حقیقت در کنارش نیست، بی ایمان و متزلزل است، دروغ گو و هوچی است، و از مقابلها افکار مخالف خود خوف دارد و تمهیدهاست که مردم برایش تره هم خرد نمیکنند. چنین گمان دیگر فهمیده اند که حرفه نسان حریفان رسد ارد، پتدشان روی آب افتاده و سرنگاه سقوط از قدرت در نزدیکی شان قرار دارد. آری چنین گمان تنها حربه زنیست.



رفقا د ق و ف ۱ از تهران
 م. ص. از تبریز

نبرصیتوا ننندیا سخ دغیر سوال خود را در مطالب بالا پیدا کنند. مفهوم سوال اول رفیق م. ص. از تبریز سبزی بر ایمان روشن نیست، لطفاً با توضیح روش تری سوال خود را برایمان ارسال نمایند.

* * *
 رفیقی در نامه ای بدون امضاء (بتاریخ ۲۹ بهمن ۵۹) نوشته است: "بنی صدراستالین را چند بار رسانا کنون کوبیده... آیا لازم نیست استالین را آنطور که بوده (با انتقاداتی که دارد) به طبقه رحمتکش معرفی کنیم؟"
 پاسخ: از نمایندگان بسوزواری انتظار دیگری هم نیست؛ ولی مقابله با تحریعات و بیاوه کوشی های ایشان ضروری است، و امیدواریم در آینده این کار در نشریه ما صورت گیرد.

* * *
م. د. از تهران

پرسیده است:
 "جراد شماره های مختلف حقیقت را رژیم خمینی یا "حکومت خمینی" و ارباب قبیل نام برده میشود؟ آیا این به معنی آنست که این رژیم واحد است؟ و سیاحتی بگردد؟ و اگر نه پس معنی نگاربردن لغت رژیم خمینی چیست؟"
 پاسخ: بدنی خاطر که در رأس حکومت ایران حصی قرار گرفته و تمام جناجهای سربک در قدرت سیر راستی با راستی رهبری وی را تصدیق داشته و رای و نطعت دارد (اگرچه گاه حسیه صوری داشته باشد). در هیچیک از موارد هم معانی که شما در بطور داریدا آنها مستفا دینم بود.

* * *
رفیق علیرضا ب. از بوشهر

در نامه ای منس اساره ده استنوخه به تحلیل مسخر در مورد واقع سنی النطلی سزالات رسرا مطرح نموده است که به آنها پاسخ میدهیم.
 ۱- آیا اساده بکره شمالی راستک

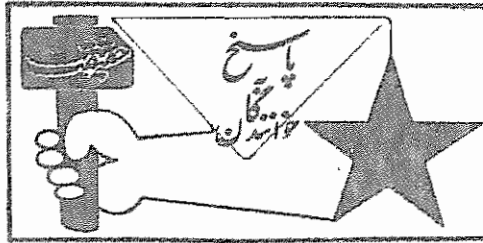
کشور سوسالیستی میداند آیا آنها همچون بقیه روبریو سستی؟
 "آب نظراً تنها دیده در باره رژیم ساسق کامیوج (پول پوت) چیست؟ آیا پول پوت را یک شخص کمونیست میداند یا یکسری انحرافات ما یک خود فرمت طلب؟"
 پاسخ: موضع مادر باره بکره شمالی موضع اتحادیه کمونیستها در باره بکره شمالی (جمهوری دیکراتیک خلق کره) این است که این کشور یک کشور سوسالیستی است. این موضع در حقیقت همان موضوعی است که جنبش بین المللی کمونیستی قبیل از انشعاب میان مارکسیسم و روبریو نیسم در سالهای ۶۰ در این رابطه داشته است. البته سا زمان ما در مورد ساخت جا معده کره و جگونگی اعمال حاکمیت طبقه کارگر (دیکتاتوری پرولتاریا) در این کشور تحقیقات چندانی ندارد.

حزب طبقه کارگر در کره در دورانی که عفا دمیان مارکسیسم-لنینیسم بسا روبریو نیسم خرو سجفی جنبش سنی النطلی کمونیستی را بدانشعاب کثا سنا سیکطرف روبریو نیسم خرو سجفی را در باره ای نظا بر بارزان ما سندراره ساست آمیزا نقلاب و غیره محکوم کرده سولای از طرف دیکراتیکها از سر خوردنا طاع سدرمداران اس جریسان روبریو نیستی در حزب کمونیست سسوروی طفره رفتند. آسنا در حقیقت به یک موضع میاند در این رابطه کسفا کردید. لازم است تذکرات که اسگونه موضعگیری "میاننده" سنها به حزب کره محدود نمیشد و اسسزات ویننام و ساجدودی کونا هم چنین مواسعی داشته اسد. اما سرتکا ملی روندانشعاب در جسس کمونیستی در مورد حزب ویننام و حزب کونا آنها را عافت ساردوگا دور سس سوسیم خرو سجفی و سوسال امیریا لسیسم کتید در حال سکرعضای کره ای در اس عرفات دظلعیده و موامع مسفل خود را حفظ کرده اسد. ما اربکار خلق کره رهبری کسم ایل سوک سزای وحدت دو کره در بطور ساسم دموکراسیک پیشناسی سیکسم. حما بسب رفقای کره ای را انقلاب ایران و خودداری آنها از در علسدن سدم سوسال امیریا لسیسم روس و روبریو نیسم حصی ساسسد سوسط کمونیستهای اسرا ن استیفال سسوه.

اما آنچه سسیتوان اسکا ز کرد این است که در آثا رونظرات رفقای کره ای نظرات سنی در باره مشخصات عصر کنونی و روند انقلاب در جهان ما وجود دارد که بسا سکرالتقسط در سنتوری و سجدید نظر در باره ای مباسی آموزشهای لسنینی است. اسن مسائل که مدتی هم در باره ای از ادسیات سوسوط به کره ساسیم ایل سونگیم "سغیر سنی سندسظر ما کرایشی است که سنا سب دگرفتن دستا وردهای جنبش کمونیستی در ما بسا با روبریو نیسم مدرن و تکامل آن بسا سوسال امیریا لسیسم و سچنین سگسوت در باره ارتجاع و روبریو نیستی حاکم بر چین را توجید میسند و اینبار موضع میانده گوانه (سانرسستی) را در لوی سوسی "کمونیسم ملی" مطرح میسند. ساطمع ما با اسن مواض موافق نبوده و آنسرا کماکان موضعی "وسط" و خطرناک ارزیابی میکنیم. سچنین رفیق جواد هم می توانند با سخ خود را در این سطور جستجو کنند.

در باره پول پوت و مبارزات مردم کامیوج سا زمان ما از مبارزات مردم کامیوج بر علیه امپریالیسم آمریکا که عاقبت رژیم دیکتاتوری تون نول را بزرگشید خما بت میسند. اسن مبارزات با شرکت حزب کمونیست کامیوج به پیش رفت و اسن حزب و از جمله رهبران سول پوت در آن نقش مهمی داشته اسند. بسس از سسوروی رژیم سیر کامیوج حاکم شد که بعد از مدتی بتوسط سیروهای نظا سسی ویننام و به تحریک شوروی سرتگون گردید. در شرایط کنونی مبارزه آرادیدخواها نه و استقلال طلبانه مردم کامیوج بر علیه دولت دست نشانده ویننام و شوروی ادا مدها در دوما از اسن مبارزه عاده لانه حما بت میکنیم.

در باره دورانی که پول پوت و با رانش در رأس حکومت کامیوج سوندند مطابق اخباری که بدست ما رسیده اسست چنین سبظر میسند که رژیم حاکم بر اسن کشور ساسنی کا ملاعذ دموکراتیک در شمال توده های مردم کامیوج داشته اسست. نرا هم موجود حکات از موضع سنا در سست حزب کمونیست کامیوج در شمال چین روبریو نیستی اربکو و از سوی دیگر حکا بت از سر خوردنهای چپ روان سسه و استبدادی سست به اقشار مختلف سلسی داردا لسطع سنا که سنا قتلحلیل مسغن و ساسه داری در باره موضوع مورد بحث سغیه در صفحه ۱۹



کمونئیستهای ایران در این موارد که ذکر شد از آموزشهای حزب کارآلبانی بهره برده است و از آنها حمایت نموده است .

اما در ادامه جدال با رویزیونیست های چینی حزب کارآلبانی و رفیق انور خوجه مواضعی را اتخاذ نموده اند که دستکم به روند بحران در جنبش کمونیستی بشدت دامن زده است . رفقای آلبانیسی امروزه ضدیت خود را با رویزیونیستهای چینی به مارکسیست - لنینیستهای چینی هم تعمیم میدهند آنها رفیق ما ثوتسه دون آموزگار پرولتاریای جهان را هم در باره ای آثار خود رویزیونیست خوانده اند . بالطبع این نظرات و مواضع منتهجه از آنها مورد قبول اتحادیه کمونیستهای ایران نمیباشد . ما امیدواریم تساهل آینده بتوانیم در مقالات مفصلتری در باره مسائل مطروحه در جنبش بحران زده بین المللی کمونیستی نظرات خود را ابراز داریم .

* * *

ما بقی سوالات شما در شماره های آینده پاسخ داده خواهیم شد .

اندخال آنکه دو نفر دیگر ضعف نشان داده اند . بالطبع ما از کسانی که از منافع انقلاب جیبی دفاع کرده اند قاطعانه سبقتی با آنها نمیکنیم .

در باره حزب کارآلبانی ، این حزب یکی از احزاب قدیمی جنبش بین الملل کمونیستی است . این حزب انقلاب خلق آلبانی را در نهضت ضد فاشیستی رهبری نمود و جمهوری سوسیالیستی آلبانی را بنیاد گذارد . حزب کارآلبانی در مبارزه بر علیه رویزیونیسم مدرن در صف ما رکبست . لنینیستها قرار گرفت و با موضعگیری قاطع خود ضربه محکمی به اردوی خروشچف و شرکاء وارد آورد . در مقابل با رویزیونیسم نوپسای چینی هم رفقای آلبانی با موضعگیری خود در سطح جهانی به طرفداران رودسته حاکم برجین و تئوری رویزیونیستی سه جهان که اینها برای جنبش کمونیستی نسخه پیچیده بودند بیاری رسانیدند . اتحادیه

هستیم نمیتوانیم دارای موضع مشخصی در باره نقش پول پوت در آن کشور در رابطه با مسئله فوق الذکر باشیم اما این هست که بهرحال برداشت ما از سوسیالیسم و دیکراسی توده ای با قلمع و قمع آزادی ها و حقوق دیکراتیک مردم تجاوت بسیار داشته و بر خورده های چپ روانه این رژیم را در بوجود آوردن شرایط سرنگونی اش موثر میدانیم .

نکته جالب این است که سوسیالیسم سوسیال امپریالیست در دوران لئون نول زمانیکه نهضت مردم کامبوج علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش اوج میگرفت از این رژیم حمایت میکرد و اکنون هم نهضت مردم کامبوج را که بر علیه اشغالگران ویتنامی و دست نشانده اش نشان متوجه است محکوم میکند و سه سر کوبگران بیاری میرسانند .

* * *

رفیق م . از نقده

در باره مواضع ما در مجال گروه " چهار رفره " در چین و همچنین نظر ما در مورد مواضع حزب کارآلبانی و ساختن اتحادیه بین کشور پیرسیده اند .

پاسخ : در باره گروه چهار رفره درجی ، اصطلاح گروه چهار رفره در چین اشاره به گروهی مرکب از جیانگ با ژون و یوان ، واسک هون و وچان چون جیا شومین است . این گروه که همگی سرانقلاب فرسکی پرولتاریایی چین بخش مهمی داشته اند در حقیقت به آنها هم دفاع از ارا بدینه های ما ثوتسه دون و مسی پرولتری درجی مورد محاکمه قرار گرفته اند . آنها را به دادگاه کشیده اند تا همیشه را برای سرکوب دستاوردهای پرولتاریا درجی آماده کنند . ما محاکمه و محاسبات آسان را توسط دارودسته خباثنکار رشتک سبب شویم و ترکاء محکوم میکنیم و اگر ما براب پرولتاریای چین بر علیه رویزیونیسمی که هر روز گسترش میابد حمایت میکنیم . نا آنجا که از اخبار رسیده در مورد دادگاهها بیاری آمده و گروه معروف به چهار رفره را که حینک و لجانک چون حیا - شوارسار را با خود دفاع کرده و بیرحم ما - ره را در دادگاهها برافراشته اند و دست

گفته های یک زن کارگر از گروه پز خانه

تو چون وقت سخنرانی خطا بهم میکنی خواهر
به این اندیشه ام تا چون کنم لفظ تو را باور
که میبینم در انگشتان بیگسارتوا نگشتر
و دست من تمام روز در خشت است و خاکستر
سرا نگشتم چون بیض از درد میگوید
ولسی یا دردم خاکستر و خاک میروید
تمام روز من در کار خشت و طفل بر پشتم
نشدا زگریه بازش دارم و گل بود در مضم
ولی تو کودکت را ناز میگردی به آرامی
چه جای راست من را خواهی و همشان مینامی
کجا از آفتاب داغ ظاول بسته لیسایست
کجا بیرون زده از بی غذائی استخوانهایست
کجا دانشم به تردیدی نمیرد طفل بیمسارت
برای نام کجا با خشت و گل بود سروکارت
نوشورا اگر رفتی تا نگویم درد در ما نسیم
تورا با خود ببر ای بریا سرادرم نمیدانم
سرا بر نیست مزد و زحمت من باشما هرگز
برادر نیستی ما من به لعنتی ناسجا هرگز
ز جمع انگلان هر کس به نوعی خواند افسانه
ما ما نند من یا راست و امثال توبیگانده
نوحا کم گشته ای بر من نه ما مستضعفان برسو
به استثماری ما با دست خود پامیده از نسو
حماق و زور حاکم گشته نه سورا و آزادی
دروغی حامی من توجه سپروزی بمن دادی

جنایتی

بقیه از صفحه آخر

حمله پماداران . . .

بقیه از صفحه آخر

۱- سارتنه ز: ۱- سمیدزیبری ، ۲- مرتضی زیبری (پسرعموی سعید)
 ۳- علام ۴۰۰۰ ، ۴- جمشید ۲۰۰۰ ، ۵- حسن ۹۰۰۰ این عده روزهای
 شنبه (صبح) در طبقه دوم "هشتی انقلاب" (محلی در خیابان
 مدرس) جلسه دادند و اعلامیه‌ها را نشان توسط امکانات "جهاد
 سازندگی"!! واقع در حوالی میدان فردوسی تکثیر میشود!

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۹:

حوالی ساعت ۱۰/۵ صبح یک فروشنده "امت" در حوالی
 چهارراه مدرس مورد حمله قرار میگیرد و روزنامه‌ها پاره میشود.

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۹:

یک نفر که اعلامیه‌های "اتحاد کومونیستهای ایران" را در
 حوالی بازار پخش میکرد طی زد و خوردی دستگیر و به کمیته
 کزی برده میشود. در آنجا وی را کتک زده و با زجویی و "تصحیح" می
 کنند. ولی بعد از ۲ و ۳ ساعت که چیزی دستگیرشان نمیشود، وی را
 آزاد میکنند.

یکشنبه ۱۳/۳/۱۳۵۹:

در چهارراه مدرس، به دو دختر فروشنده "جهاد" حمله میشود.
 و چند نفر چاقو را میخوابانند و آنها را پاره کنند و با
 افشاکاری عداوت مردم تجمع کرده و به این اعمال مرتجعانه
 اعتراض شدید مینمایند. با نتیجه اعمال چاقو افروزی میشوند.

یکشنبه ۱۲/۳/۱۳۵۹:

حوالی غروب، یک نفر که در اطراف میدان آزادی (گاراژ)
 مشغول فروش نشریه "حقیقت" و پخش اعلامیه بود، مورد هجوم چاق
 دار قرار میگیرد که مردم با هو کردن مانع شده و آنها را فراری می
 دهند!

یکشنبه ۱۱/۳/۱۳۵۹:

در همین روز در گوشه‌ای دیگر از شهر (کوهساری جوان‌نشین) ۲
 پاسبان (که گویا میخواستند از دوستان چاقو داران پاسبان را
 عقب نمازند) ۲ دختر را به "هجوم" فروختن یک نشریه کومونیستی
 دستگیر کرده بودند که عداوت از مردم مخالفت کرده، و به کمک یکی
 دو نفر از هواداران "اتحادیه" آنها را ارجح با سیاه‌پوشی
 گریزند. بعد از آن بین مردم در مورد چاقو افروزی و چاقو داران
 بحث و گفتگو در گرفت.

دوشنبه ۱۲/۴/۱۳۵۹:

در نزدیکی میدان راندی (گاراژ) جوان ۱۴ ساله‌ای مشغول
 فروش نشریه "جهاد" بود. عده‌ای با سدا از یک ماشین آهویا ده
 شد و طرف هجوم میبردند و او را دستگیر میکنند. اما با اعتراض
 شدید مردم روبرو میشوند و مقابل سورش مردم جوان مجاهد را
 رها کرده و فرار میکنند.

* * *

۱- عبا ربا لاوک ارشاد را که با ستاره نشانده چند نکته است:
 ۱- اگر چه چاقو داران بیرونی بگرددند و نشریات انقلابی و
 ترقی از خود حساست فوق العاده نشان میدهند. بعنوان مثال
 در چند هفته گذشته در کرمان راه فروشندهگان "جهاد"، "حقیقت"
 و "امت" بیچاره مورد حمله بوده‌اند.

۲- بر خلاف گذشته مردم در مقابل درگیری چاقو داران و
 هواداران نیروهای مسمی و انقلابی بی تفاوت نمی‌مانند. در
 بسیاری موارد با اتحاد سیاست بقیه در صفحه ۱۱

سیا (چون کوری رش) و دیگر مرتجعین صحبتی نمیکند! "اعلامیه"
 حتی یک کلمه در مورد اتحاد آشکار و نهان این حزب با بعثت
 عراق سمیگوید و... و بهمین خاطر نمیتوانند در پیشه واقعی
 سیاست فدا انقلابی حزب دمکرات نسبت به سایر نیروها را در کرد
 ستان توضیح دهد و به عام گویی در مورد "سرمایه‌داری" بودن
 این حزب بسنده میکند! "اعلامیه" و "پیکار" نمیتوانند توضیح
 دهند که این سیاست ناشی از تمایل انحنا طلبانه حزب دمکرات
 برای سلطه بلامنازع در کردستان ایران است. و این تمایل،
 نه تمایل "قاسملو" بلکه تمایل امپریالیستها برای تحت سلطه
 نگهداشتن ایران، فدیت امپریالیستها و عوامل داغلیشان
 در مقابل انقلاب همه مردم ایران و منجمله خلق کرد، تمایل
 امپریالیستها برای تبدیل کردستان ایران به پایگاهی ضد
 انقلابی میباشد. "پیکار" و نیروهای مشابه این امر را درک نمی
 کنند. برای این نیروها حزب دمکرات هنوز یک نیروی "بورژوا"
 است و اشکالش هم این است که در مقابل رژیم جمهوری اسلامی
 "متزلزل" است.

"حزب دمکرات پیش از آنکه دشمنی و مبارزه‌اش با رژیم
 جمهوری اسلامی باشد، نیروهای انقلابی است و بهمین دلیل
 مرتبا به رژیم‌پیشنها دهنه‌ها کرده و ما به نیروهای انقلابی
 اعلان جنگ میکند" (تا کیدا زمان است) تعریف بالا از حزب دمکرات،
 تعریف یک حزب مترقی اما ناپیگیر و متزلزل میباشد. تعریف
 جریان اجتماعی است که با ارتجاع تضاد دارد ولی از انقلاب
 نیز میهراسد. اما همه منظور که گفتیم و همانطور که واقعا نشان
 میدهد، این "تحلیل" و این "تعریف" از حزب دمکرات کاملاً
 پایده و اساسی است. در حزب دمکرات این نیست که میخواستند
 رژیم جمهوری اسلامی "سازش" کنند و یا بهی "مذاکره" بپردازند
 بروی در واقعیتی حزب دمکرات آنست که میخواهد کردستان را
 لانگوا امپریالیستها و فاشیست‌ها و دیگر مرتجعین بنماید. آیا
 اعمال و رفتار حزب دمکرات - بخصوص پس از جنگ ایران و عراق -
 این نکته بدیهی را سه "پستار" نشان ندهد. ده است و این سیاست
 واقعی حزب دمکرات است، و بدین منظور باید سرکردستان
 اعمال خاکمیت کند. بنا بر این در مقابل نیروهای دیگر سرودن
 کردستان به وحشیگری دست می‌ازد تا آنها را رخنه بدر کند.
 حال اگر رژیم جمهوری اسلامی، این "حق" حزب دمکرات را سه
 رسمیت نشناسد، با آن سازش میکند، و گرنه جنگ بی‌پایان
 با است دلیل آن مبارزات "قهرمانانه" پینمرگان حزب دمکرات
 که "پیکار" در باره شان مطلب مسویستند.

ریشه انحراف "پیکار" در مشی چپ سوسیالیست که این
 سازمان به پیش میگذارد. سوسیالیستی "چپ سوسیالیست"
 دشمنان اصلی انقلاب ایران، نیروهای ارتجاعی و وابسته
 از زیر سیخ حمله خلاص میشوند و نیروهای بورژوازی ملی و حسی
 بورژوازی و پیمان بینی و متزلزل، تحت شدیدترین حملات و دروا
 قع آماج اصلی حمله قرار میگیرند. مشی ای که سنا چار در دست
 دشمنان انقلاب قرار میگیرد. فریبنا این مشی، انقلاب و هم
 چنین خا ملیپان آن میباشد. کشتار و فدا نمایی و وحشیانه "اعلامیه"
 هواداران "پیکار" تنها نمونه کوچکی است.



بفیه از صفحه آخر

ولی متاسفانه زمان پیکار بهمان درجدا بیکه در بنده های چپ نمایی بیشتر و بیشتر گرفتار می شود و بیشتر و بیشتر نسبت به دشمنان واقعی خلق و انقلاب ایران و نیروهای وابسته به بیگانه ساز خود لاتیدی نشان میداد و میدهد. نمونه بارز این لاتیدی را در "اعلامیه" یکه از طرف کمیته کردستان این سازمان در باره این جنایت هولناک ما در شده میتوان مشاهده کرد.

زمانی "سازمان پیکار" بدرستی حزب دمکرات را یک جریان وابسته و ارتجاعی ارزیابی مینمود. ولی گام به گام از این ارزیابی درست عقب نشست. اولین جرعه این عقوبت نشینی را زمانی زد که پای خود را از جوا بگوئی به "چریکهای فدائی" در باره حزب دمکرات در "کنفرانس وحدت" (بیش از یک سال پیش) کنار کشید. این عقب نشینی تا بداندجا ادامه یافت که "سازمان پیکار" امروزه حزب دمکرات را فقط یک "جریان بورژوازی ارزیابی مینماید. و فقط همین! بهترین است تیلور این "ارزیابی" را در اعلامیه اخیر این سازمان در کردستان ببینیم.

"اعلامیه" در شرح ما چرا مینویسد: "جریان بدین قرار است که تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات که اکثر مستقیم بودند..... ابتدا که ما اعلامیه را خواندیم نفهمیدیم که حمله حزب دمکرات به مقر "پیکار" چه ربطی به "مستی" افراد ایسن حزب دارد، و آیا این حمله بفا طریقی است این حزب و پیروان صورت پذیرفته و بفا ظرعبیا نیت و بد مستی! فکر کردیم که شاید "اعلامیه" فقط میخواسته و اقصیت را توضیح دهد و بس. ولی اعلامیه روی این نکته اصرار دارد، نوجه کنیست: "..... به شهادت مردمی که از نزدیک شاهد ما جرایم شده اند، بیوی الکل ناشی از مستی افراد حزب کا ملامعلوم بوده است. ما نمی فهمیم که چرا "پیکار" تا این حد بروی "مست بودن جاشهای حزب دمکرات اصرار میورزد؟ آیا اگر اینها "مست" نبودند دست به چنین حرکتی نمی زدند؟ آیا بعد از "سربع ساع" جنگ که در آن همه تسووع اسلحه سنگین و سبک بکار رفت، مستی از سرشان نپزید که پس از "فتح" مقر بیدانگونه نا جوان مردانه و وحشیا نه آن فرد زخمی را سر بریدند و جرحین را "بزیربا ران مشت و لگد گرفتند"؟ ایسن اعمال حزب دمکرات نه ناشی از بد مستی، بلکه منطبق بر یک سیاست است. این سیاست عبارتست از اعمال حاکمیت مطلقه و بلامنازع در سرتا سر کردستان. و بفا طرابین سیاست زورگویی ها، کشت و کشتار، جنگ و سازش با رژیم جمهوری اسلامی بنا به شرایط مترسل میگردد. این امر را "پیکار" و دیگر نیروهای که مرتسب از حزب دمکرات گله گذاری میکنند نفهمیده اند! در حقیقت این نیروها نسبت به ماهیت حزب دمکرات و سیاستهای ارتجاعی اش "متوهم"!! هستند.

"اعلامیه" در ارزیابی از این حرکت مرتجعانه حزب دمکرات مینویسد: "حرکت دهر و حزب دمکرات و کشتار و بوه خاک و حسون کشیدن عده ای از رفقای ما.... چیرتا راهی نسبت. ایی ادا صه حرکت گذشته، حرب است. خلق سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی

اگر تا دیروز با تهدید صورت میگرفت، اکنون با هجوم وحشیا نسبه توام است. تا اینجا، قضیه کا ملا درست ارزیابی میکنند، ولی ناگهان شگفت زده میبیرند: "گویى حزب دمکرات دشمنان واقعی خود را در میان خلق کرده و نیروهای انقلابی می یابد". (تا کیست از ما ست با این "گزینی" چه نمایی دارد؟ آیا "پیکار" نمیه خواهد به حزب دمکرات بگوید که بجای حمله به نیروهای انقلابی بسبه رژیم جمهوری اسلامی حمله بیشتری بنماید؟ ما فکر میکنیم چنین است و این از ارزیابی چپ نمایی نشان بر میخیزد که حزب دمکرات را یک متحد با لقه در میان رزه علیه رژیم جمهوری اسلامی مینماید و بهمین خاطر با حالت اعتراض آمیزی مینویسد "حزب دمکرات بیش از آنکه رژیم جمهوری اسلامی را دشمن شناسد، نیروهای انقلابی کردستان را در مقابل خود ببیند!!" لابد "پیکار" با تحلیل "علسی" خود از این "بورژوازی نسبه" بیگبر!! (یعنی حزب دمکرات) انتظا را زد که "حزب دمکرات بیش از آنکه نیروهای انقلابی را دشمن شناسد، رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خود ببیند!!" آیا این چنین نیست؟ آیا بسه این خاطر نیست که تا چندی پیش در روزنامه "پیکار" عملیات "قهرمانانه" پیشمرگان حزب دمکرات بمعنوان مبارزات خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی درج میشد؟

"اعلامیه" ادامه میدهد: "حزب دمکرات همچون هر حزب سرما به داری دیگر بیهوده می اندیشد که میتواند با سرکوب زحمت کشان صدای آنان را برای همیشه خفه کند" (تا کیست،) راستی آیا در حزب دمکرات در "سرما به داری" (بورژوازی) بودن آنست؟ آیا هر حزب "بورژوازی" به چنین اعمال سنگینی و بسه چنین فجایی دست میزند؟ "پیکار" که امروزه سردمدار بسیار آرد آوردن تحلیلهای عام مینماید، هر جریانی را که با آن مخالف باشد "بورژوازی" میدانند. هم حزب جمهوری اسلامی "بورژوازی" است، هم "نهضت آزادی"، هم حزب فروهر "بورژوازی" است، هم "حزب دمکرات کردستان"، معلوم نیست چه کسی "بورژوا" نیست؟ این "تحلیل" ها بفا اندازه یک سرسوزن هم به جنبش ما کمک نمی رساند و در بسیاری موارد باعث گجی و سردرگمی هم "پیکار" و هم جنبش ما گردیده است.

در حزب دمکرات در "بورژوا" بودن آن نیست، آنطور که "پیکار" فکر میکند! (در حقیقت "پیکار" تصور میکند که حزب دمکرات حزب "بورژواها" است، ولی بورژوازی ملیت تحت ستم، و بنا بر این از همین زاویه در مقابل "بورژوازی" ستمگر، یعنی رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه میکند، در عین آنکه در مقابل آن منزه لزل است!!) حزب دمکرات، حزب فتودالهای کردستان، متحد باندهای سلطنت طلب، حزب وابسته و متکی به قدرتهای بزرگ جهانی است. حزب دمکرات نه از زاویه "بورژوازی" ضعیف کردستان بلکه از زاویه، فتودالهای کردستان، از زاویه، منافع و مطامع قدرتهای بزرگ امپریالیستی و ضد انقلاب سلطنت طلب به جنگ وجدال و کشت و کشتار مشغول است. این امر را بسیاری از نیروهای جنبش ما درک نمیکند و بهمین خاطر در مقابل این حزب ارتجاعی لنگ میسازند، حتی زمانیکه چنین وحشیا نه بر آنها یورش میآورد.

"اعلامیه" در عین آنکه به گوشه های از جنایات و فجایع حزب دمکرات اشاره میکند، ولی ما هیت واقعی این حزب را لایسوانی میکند. "اعلامیه" حتی یک کلمه در باره ماهیت ارتجاعی و وابسته این حزب نمیگوید!! "اعلامیه" حتی یک کلمه در مسورد انداد این حزب با بندهای ساواک، بعید در صفحه ۲۰

سخنی دوباره با مجاهدین خلق

درباره حزب دمکرات کردستان

مما ریمش سوارا یکده حرب سوده
 سهرج رورومطاسو سآب و
 هوای "سیاسی" خامه طا هرا
 خالک دوآسه خودرا با "تاسد
 ما سملو" اسوارکنده، سسار
 بیس سوارا آکها ملاحزب جمهوری
 اسلانی ای دراسی کنوریدندار
 سده ساسد، سروهی اسلانی
 ومخملنه "احادسه" کموسس
 های اسوان "ما هس ارخاعی
 وواسنه، حرب دمکرات کبیرده
 سان راسرچ کرده سوسسد
 (سحوان مثال سهرسه مغلالت
 "دفاع ارخرب دمکرات دفاع
 ارمداسغلاب اس" دراسج سده
 حرکتهای فدائی طلسو در
 "حسب" های ۴۵، صمسه ۴۲،
 ۴۳ و ۴۴ رجوع کسسد. ۱۰
 ولی ساسد ساسد سده
 برای "اطلاع" بیسرمحا هدیس
 طلق سده چندخمه ارعمالی که
 حزب "دمکراسی خسسواء" و
 "اسفلال طلب"!! دمکرات در
 هس حده هسه، احرارحسام
 داده اس، اساره کسم ساسا
 درسی و احراسی سدن سرجه
 حوردمحا هدیس براسان تاس
 کردد. سرای اطمینان خاطر
 محاهدس، ما کراس اس حد
 چمه راهار "حرب سوده" وس
 اروری روزنامه های مرتحمس
 وسه حسی از خودمان (که هسکاه
 اطلاعاتمان سوبیا وه کوسنی های
 حزب سوده و حزب جمهوری مکی
 سوده اس) ، سلیکهار اعلامیه
 ها، ونسرا بسا زمانها سسی
 که در کردستان مشول فعالینند
 ونه در سلک حرب سوده هس سونه
 در زمره "مرتحمس" ، سغنیسی
 "کومله" و "بیکار" سغیل سسی
 نما سس سس .

وعلیرغم هشدارهای نیروهای
 اسلانی در مورد حضور اس حرکت
 سسی دفاع از یکه خراس سسد
 اسلانی وواسنه اسراسن کسار
 حردا سوارا سبورند، ساسا سده
 سا زمان محاهدس خلق بدلسور
 ما ساسی درمطاهده ۱۰۸، سس
 وانمود کرده اس که اسها ساس
 علیه حزب دمکرات فقط ساسه
 وپرداخته، مرتحمسی ارعماش
 حرب جمهوری و حزب سوده سسی
 باید: "..... ار آسحا کسه
 سلسلاب احر مرتحمس، ساسا
 منگی برود مقالندی (!!) سترسه
 لوموندوم چسین اسها ساس
 حزب سوده بود، هس متهاسی ار
 من تکدیجه ای راکه دکسسر
 فاسلوسرای لوموندو سراسده و
 بداین بخت ار دعای مرتحمس
 مربوط اس....." (مجاهد
 ۱۰۸ - تاکیدا رما س))
 لاید سا زمان مجاهدین
 خلق "اطلاع" خدارند کسه

آن عبدالرحمن فاسلوراسه
 منوان یکی از حنه های عری
 کا رجوش اسغلاب کرده اس.

چندی اس که سار مسان
 مجاهدین خلق ایران دفاع از
 حزب دمکرات کردستان ورهبر

'جنایتی هولناک توسط حزب دمکرات'

برخورد 'بیکار'

مختاری "خلق کرده اس ونه در
 پی "دمکراسی" برای سرمد
 ایران، حریانی که فقط در پی
 اعمال حا کمیت مطالعه و مکی
 به سیکانه در کردستان اس
 و..... ثابت مینمایسد.
 ارزیابی ابکه مازهمسسان
 شروع فعالیت مجددا سس
 حزب در کردستان اعلام
 نمودیسم .
 بقیه در صفحه ۲۱

در تاریخ هفتم اسمنده
 ماه ۱۳۵۹، مزدوران حزب
 دمکرات کردستان به جنایتی
 هولناک دست میزنند و با حمله
 وحشیانه ای به مقر "سازمان
 بیکار" در بوکان چند تن از
 اعماء و هواداران این سازمان
 را س شهادت میرسانند، وعده ای
 را زخمی مینمایند، جانسان
 و جلادان حزب دمکرات جنایت
 کاری خود را تا آن حد به تما پیش
 میگذارند که پس از "قتح"
 مفر "بیکار" سربکی از اسراد
 زخمی را در خلوی چتمان یار
 نش کوش تا کوش می برند، شرح
 کامل این حمله وحشیانه و
 ضحایی کدپی آن توسط عمال
 حزب دمکرات صورت گرفت در
 اعلامیه "سازمان بیکار
 در راه آزادی طیفه، کارگرس
 کمینه، کردستان" سسسام
 "جنایتی هولناک توسط حزب
 دمکرات" آمده اس (اسسن
 اعلامیه در تاریخ ۸/۱۲/۵۹ هجری
 کربیده اس) .

حمله چماقداران حزبی به فروشندگان

نشریات متوقی و انقلابی

(گرومانشاه)

وبدا فشاگری دست میرسد، گروه
 چماقدار مزبور، دهشده ای هسند
 به نام "میشم تمار" که پایگاه
 شان قصر شیرین بود و از هسان
 آغاز جنگ متواری میشوند
 وبه کرمان شان (گرومانشاه) سسی
 آسده، این گروهک حماقدار شو
 سط فردی بنام "نوری سربلی"
 رهبری میشود، اس، گروهک
 سا گروه چماقدار کرمانشاهان
 معروف به "شیت" همکساری و
 هماهنگی!! نزدیک دارد، بر
 حی دمکرات از افراد این گروه
 بشبه در صفحه ۲۵

پنج سسه ۳۵ بهمین ۵۹ -
 حدود ساعت ۱۲ در حوالی چهار
 راه مدرس (اجاق سابق) یکی
 از فروشندگان ستره "حقیقت"
 مورد حمله چند نفر چماقدار
 قرار میگردد و روزنامه هاسش
 پاره میشود، در هسین هنگام
 عده ای چماقدار دیگر سررسده
 شروع به تفتیش کیف فروشنده
 که رفیق دختری سوده میکنند و
 بدادیت و آزاروری میپردازند،
 رهیق مزبور در مقابل اسس
 اعمال مرتجعانه ساکت سنشسته
 و با صدای بلند اسرا میگوید

واقعه اول:

تاریخ واقعه: ۵۹/۱۱/۲۴
 سقید در صفحه ۲۳